

سطوت میثاق

جلد سوم

ترجمہ: حسن محبوبی

سطوت میثاق

قسمت سوم

آئین بهائی و منقذین آن

از انتشارات محفل مقدس روحانی ملی کانادا

اپریل ۱۹۷۷ مسیحی

رضوان ۱۴۸ بدیع

ترجمہ : حسن محبوبی

پیش‌گفتار

در این ایام پرآشوب و آلام که احیاناً هوب‌اریاح امتحان و عواصفافتان در مهد مقدس امرالله است و بحبوحه انقلاب و اضطراب، واحباب و اصحاب وفا و متمسکین بعروه و ثقی و محبوبان جمال کبریا، دچار تضییقات و محن و بلا و شداید و روزایا و حیرانی و سرگردانی و بی‌سروسامانی و محرومیت از هر جهت و مسجونیت و شهادت و فدا در سبیل امر جلیل اقدس ابهی، این عبد مستمند بینوا که بعلت انتساب به خدام آستان بهاء با ترک خانه و کاشانه فاقد مسکن و ماوی، از طرف اولی البغضاء در این یوم رهیب، شدیداً تحت تعقیب و هرآن‌تن در انتظار لطم و شتم و زندان و سر‌مشتاق صلیب و سنان و جان مهیا برای فدا در ره جانان و روح با انقطاع از ماسوی در سماء قرب و لقا و فضای قدس رضوان در طیران است تا بوصول جمال بيمثال حضرت ذی‌الجلال فائز و از کوشرنور و سرور و سلسال زلال بی‌زوال مکلم طور و سلطان ظهور مرزوق و مستبشر و مسرور گردد، در حالیکه دسترسی به کتب و آثار مبارکه جهت

تهیه نصوص مقدسه غیرمیسور و این مفتون حضرت بیچون در منزل
غیری ممنوع از خروج و فی الحقیقه مسجون گشته ، بنا بر دستور
مهرظهور همکاران محترم ملی به این مشتاق به مناسبت ترجمه
جزوه اول سطوت میثاق با بیاضت مزجاء به ترجمه جزوه ثالث
آن نیز مأمور و مفتخر گردید . حال که بعون و عنایت غنی
متعال و تأئید و طید مولای مجید ترجمه خاتمه یافته ، ضمن تقدیم

آن به روح پاک و تابناک مشاعل حب و وفا و عشاق پراحتراق نیر
آفاق و شابتین و راسخین بر عهد و میثاق که با نهایت اشتیاق پس
از تحمل مصائب و متاعب مالایطاق مال و جان نازنین خویش را
در راه وحدت و رفاه و سعادت و وفاق اهل عالم انفاق نمودند ،
با اطمینان که قرائت آن موجب صیانت سالکین سبیل ایمان و
حراست شاربین کأوس ایقان میگردد ، چنانچه بعلت قلس
وسائل و امکانات و فقدان اوضاع و احوال مساعد و مقتضیات ،
این موررنجور برخی از نصوص مبارکه را مذکور و یا بعضی از دقایق
حقایق را مسطور نداشته ، از خوانندگان عزیز با وفا و مستظللین
شریعه مقدسه سمحاء بخاطر هرگونه سهو و لغزش و خطا ، امید عفو
و بخشش و عطا و خاضعانه رجاء دعا دارد .

با عرض محویت و فنا - غبار اقدام احباء ح . م

طهران ۲۳-۸-۱۳۶۲=۱۴-۱۱-۱۹۸۳

سطوت میثاق

در این امر ابداع افخم، قوت عظیمه و قدرت کامله مکنون و مستور است که مردم روی زمین و ملائکه علیین بکلی از درک آن عاجز و قاصرند، آن قدرت نامرئی علت جمیع حرکات ظاهری کائنات است، آن قدرت باعث اهتزاز قلوب است، آن قدرت سبب اندکاک و انصاع جبال است، آن قدرت موجب اداره امور متعسر امرا لاله است، آن قدرت الهام بخش یاران راستان است آن قدرت جمیع قوای مخالف را سریعاً به هزاران قطعه منقسم و منهدم مینماید، آن قدرت دنیای روحانی جدیدی بوجود میآورد این است سرمکنون ملکوت ابهی. (صفحه ۷۰ میثاق بهاء الله)

الیوم به یقین مبین بدانید که قدرت نافذه جاریه در شرائین عالم انسانی سطوت میثاق است. هیکل عالم با هیچ قوت و قدرتی بحرکت و اهتزاز نیاید مگر به سطوت میثاق، هیچ سطوتی با آن مشابیهت ندارد و معادله ننماید، این روح میثاق

مرکز و کانون حقیقی عشق و محبت است که اشعه ساطعش را بر جمیع نقاط کره ارض منعکس میسازد و موجب احیاء عالم امکان و تجدید حیات انسان و روشنی بخش سبیل جلیل ملکوت ابهی است .

(ایضا صفحه ۷۱ میثاق بهاء الله)

شرط اول، ثبوت و رسوخ بر عهد و میثاق الهی است ، چه که قوت و قدرت میثاق، امر حضرت بهاء الله را از ظنون و اوهام اهل خطا مصون میدارد ، حصن حصین امر الله است و رکن رکین پایدار و استوار آئین یزدانی، امروز هیچ قدرتی قادر به صیانت و حراست وحدت عالم بهائی نیست مگر عهد و میثاق الهی، در غیر این صورت اختلافات بمثابه طوفانی شدید، دنیای بهائی را احاطه خواهند نمود، محقق است که محور وحدت و یگانگی عالم انسانی سطوت میثاق است و لا غیر... علیهذا هر شخص در ابتداء باید در عهد و پیمان الهی ثابت قدم گردد تا تأییدات حضرت بهاء الله از جمیع جهات احاطه نماید و جنود ملاء اعلی ناصر و معین گردند و نصایح و اندرزهای حضرت عبدالبهاء کالنقش فی الحجر بر صفحات قلوب پیوسته باقی مانده و هرگز محور زائل نگردد .

(ایضا صفحه ۷۷ میثاق بهاء الله)

مقدمه

اعضاء تشکیلات مهمه امری جامعه بهائی امریکای شمالی در احتفال مخصوصی که از تاریخ ۴ تا ۸ جولای ۱۹۷۵ طبق دستور بیت العدل اعظم الهی در مشرق الاذکار در ویلمت منعقد گردید، شرکت نمودند. موضوع جلسه مسئولیت جامعه بهائی جهت صیانت امرالله که حضرت بهاء الله جل سلطانہ بعهدہ ماتفویض فرموده اند بود. سه نفر از حضرات ایادی امرالله و کلیه اعضاء هیئت مشاورین قاره‌ای و سه محفل روحانی ملی همچنین تمام اعضاء هیئت معاونت امریکای شمالی در جلسات مزبور شرکت کردند. مقصد اصلی احتفال توجه به پیام منیع معهداعلی مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۷۴ بود که در آن میفرمایند:

"پنج ماه قبل از صعود مبارک حضرت ولی محبوب امرالله توجه یاران را باین حقیقت معطوف میفرمایند که آثار و علائم

مخاصات متزایده و دسائس و تحریکات مبرمه از داخل و خارج امرالله آشکار و مقدمه مبارزات عظیمه شدیدمخوفه طبق نبوات حضرت عبدالبهاء پدیدار میباشند تا لشکر نور در مقابل قوای ظلمت دیجوردینی و دنیوی توأم صاف آرائی نمایند. " (ترجمه) بیت العدل اعظم متعاقب آن میفرمایند:

"فتوحات جلیله محیرالعقولی که بنام حضرت بهاء الله جلّت عظمه پس از ترقیم آن کلمات عالیات حاصل شده و انتصارات باهره دائم التزایدی که نصیب محبان غیور و پرشور و حرارت و فداکار آن جمال مختار، در هر سرزمین گردیده، بدون شک موجب تهییج و برانگیختن معاندین پرکین داخل و خارج این آئین نازنین و بکار بردن مساعی جدیده آنان جهت حمله به امرالله و اخمادنا رذوق و اشتیاق حامیان این دین مبین میگردد. " (ترجمه)

بیت العدل اعظم برخی از شواهد و علائم این عکس العمل را که اخیراً در نقاط مختلفه عالم آغاز گردیده مرقوم داشته و مجلدی حاوی مستخرجاتی از آثار قلم اعلی و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی محبوب امرالله که پایه و اساس گسترش و پیشرفت امرالهی و طبعاً و فطرتاً باعث برپاشدن مخالفت و بنوبه خود موجب تسریع و توسیع نطاق امرالله خواهدگشت را بیان مینماید، به ضمیمه ارسال فرموده اند. بادر نظر گرفتن این اصل معهدا اعلی نتیجه گیری فرموده اند:

"این هیئت قویاً احساس مینماید با انتخاب هر طریقی که لازم میدانند باستحضاریاران برسانند اکنون وقت آن فرارسیده تا مجادلات و خیم و عظیمی که ناگزیر در پیش است واضحاً درک کرده

وتنها محافل روحانیه ملیه را کاملاً حمایت و مساعدت نمایند تا امرالله بدرجات بالاتری ارتقاء و اعتلاء یافته و بفتوحات و انتصارات باهره بیشتر فائق گشته و مراحل حیات تری را در دوری که برای اكمال فتح و طفروسلطه و غلبه آن در سراسر جهان از قبل مقدر گشته طی نماید.

بوصول این پیام منیع محفل ملی کانادا انتشار یک سلسله نشریات و انعقاد سمینارهای ناحیه‌ای را بمنظور تعلیم ازان کانادا در مورد صیانت امرالله آغاز نمود. در این هنگام ابلاغیه دیگری مبنی بر دستوران عقاد احتفالی مخصوص راجع باین موضوع برای تشکیلات امری در امریکای شمالی از دیوان عدل اعظم الهی واصل گردید. همین احتفال بود که در تعطیلات هفتگی ۴ تا ۸ جولای در مشرق‌الاذکار منعقد گشت و موجب حصول پیشرفت‌های مهمی در سبیل وحدت و پیوستگی تشکیلات امرالله در این قاره شامه گردید. طی دوره مشاورات در ویلمت محفل ملی فرصتی یافت تا طرح برنامه‌هایی را که در دست تهیه و تنظیم بود ارائه دهد. طرح مزبور اصولاً مبتنی بر موضوع مهم و لازمی بود برای یک سلسله جلسات طی چهار هفته که در ایام تعطیل تشکیل میگردد که با برنامه‌های و هدایت محفل ملی برای هیئتهائی از محافل روحانیه محلیه تعیین میگردد. این مسئله مهم و اساسی است که در اثر مباحثات پرارزش در ویلمت موضوع تغییر و تبدیل و توسعه یافت و موضوع مندرجات این سلسله جزوات چهارگانه را تشکیل میدهد. هر جزوه‌ای یکی از چهار وجوه مختلف موضح صیانت امرحضرت بهاءالله را بیان مینماید و شامل یادداشت‌هایی میباشد که به مثابه فهرستی برنصوص مبارکه را هدیه موضوع مستخرج و

مورد بحث مربوط بآن نصوص است .

عناوین چهار جزوه تنظیمی بشرح ذیل است :

۱- عهد حضرت بهاء الله با اهل عالم .

۲- مسئله نقض عهد و میثاق

۳- آئین بهائی و منقذین آن .

۴- عهد و پیمان احاباء با حضرت بهاء الله .

جزوات بمنزله راهنمای کلی و تشویق آمیزی جهت مباحثات

دسته جمعی تهیه گردیده است . بطور صریح و روشن باید گفت

این مسئله عمده بهیچوجه بطور کامل و جامع مبین موضوع مربوطه

نمیباشد . امرالله بمثابه اقیانوس است و حقائق مندمجه در

آن نامحدود . جزوات بجز مستخرجات مختلفه از الواح و آثار

مبارکه این آئین نازنین و تبیینات حضرت ولی امرالله و

هدایات و دلالات بیت العدل اعظم الهی که نقل گردیده حاوی

مطالب منصوص دیگری درباره عقاید بهائی نیست . محفل ملی

امیدوار است روح بحثی را که این افکار در جامعه بوجود میآورد

همان باشد که بیت العدل اعظم الهی در یکی از پیامهای منیعیه

راجع بیک از مطالب مهم و موضوعات اساسی که در این سلسله

جلسات مورد بحث واقع گشته بیان میفرمایند :

"در دینان بهائی بین تبیین معتبر و تفسیر و تعبیر یا تفاهم

و نظری که هر فردی برای خود از تعالیم مبارکه استنباط

مینماید و چه تمایز صریح و روشنی گذارده شده ، در حالیکه نوع

اول یعنی تبیین معتبر منحصر ب حضرت ولی امرالله گشته است .

از نوع ثانی یعنی از تفاهم شخصی بنا بر اشاره و هدایت حضرت

ولی امرالله به احاباء نباید بهیچوجه ممانعت بعمل آید . در

حقیقت چنین تفسیر و تعبیر فردی ثمره قوه منطقی و عقلائی انسانى است و منتج بدرک بهتر تعالیم میگردد مشروط بر اینک که در بین یاران هیچگونه منازعه و مشاجره در مباحثات برپا نگردد و هر فرد خود بداند و واضح و مبرهن سازد که نظریاتش فقط متعلق بشخص خودش میباشد. تعبیرات فردى هر چه که شخص اطلاعات جامعترى از تعالیم مبارکه حاصل مینماید مستمراً تغییر و تبدیل خواهد یافت چنانچه حضرت شوقى ربانى مرقوم فرموده اند:

"تزیید معلومات امرى يعنى الواح و آثار مبارکه حضرت بهاء الله و حضرت مولى الورى باید چنان کامل تلاوت گردند که انسان قادر شود آنرا بشکل خالص عیناً بدیگران منتقل سازد..."

برای مطالعه امر الله حدى متصور نیست، هر چه بیشتر آثار مبارکه را قرائت و در آن تمعن نمائیم حقائق بیشتری در متون آنها خواهیم یافت و متوجه میشویم که تصورات و وقوف سابق ما دچار سهو و خطا بوده است. (ترجمه)

(از جزوه سرچشمه هدایت کبرى صفحات ۸۸ و ۸۹)

با تقدیم تحیات فائقه

محفل روحانى ملی بهائیان کانادا

رسالت حضرت بهاء الله

حضرت بهاء الله ظهور کلی الهی و موعود کتب آسمانی جمیع ادیان عالم است . رسالت مبارکش تأسیس ملکوت الهی بر روی زمین از طریق وحدت عالم انسانی و تبدیل آن بیک خاندان جهانی است . حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس نازل از قلم آن محیی رم میفرماید :

"یا معشر الملوک قدا تی المالک و الملک لله المهیمن القیوم (۱)
ظهور حضرت بهاء الله را . . . چنانچه ما بمفاهیم و نتایج آن صحیحایی بریم . . . بایدنه فقط تا کنون بیچشم تجدید حیات روحانی دیگری در مقدرات دائم التغییر عالم انسانی ونه تنها بمنزله یک مرحله جدیدی فراتر در سلسله ظهورات مستمر ونه حتی اعلی مقصد و اوج کمال یکی از سلسله ادوار متتابعه رسولی نگاه کرد و پنداشت ، بلکه آنرا بایداولی و اشرف از آنها و نشانه آخرین و عالیترین مرحله ترقی و تکامل محیر العقول حیات اجتماعی

— صفحه ۲۱۰ گلچین الواح مبارکه و اشرفات و کتاب اقدس .

انسان بر روی این سیاره خاکی در نظر گرفت . ظهور و پیدایش جامعه جهانی، شعور جهان وطنی و پی ریزی مدنیت و فرهنگ جهانی را با توجه به ماهیت آنها تا آنجا که به حیات دنیوی مربوط است باید بمنزله اعلی رتبه نظام جامعه بشری انگاشت هر چند انسان بعنوان یک فرد برای رسیدن به ذروه کمال باید بسوی ترقی و پیشرفت نامحدود خویش رود . (۲)

بیان ذیل که به حضرت ولی م الله منسوب است توضیح میدهد و وظیفه نفوسی که بعرفان حقاقت بهاء الله فائز شده اند چگونه در نظر گرفته شده است :

مقصد از حیات برای فردبهای ترویج وحدت عالم انسانی است . تمامی هدف و منظور زندگی ما با حیات جمیع موجودات بشری بهم پیوسته و مرتبط میباشد ، ما در جستجوی نجات شخصی نیستیم بلکه در پی رستگاری عمومی میباشیم . . . مقصود ما بوجود آوردن یک مدنیت جهانی است که بنوبت خود روی سجاها و صفات شخص عمیقاً اثر خواهد گذاشت . (۳)

۲- صفحه ۱۶۳ نظم جهانی حضرت بهاء الله
۳- نقل توسط حرم مبارک حضرت روحیه خانم در اخبار امری
امریکا، شماره ۲۳۱ صفحه ۶

روشنفکران آلمانی و روسی و غیره که در آن زمان در اروپا و روسیه ظهور کردند و به تدریج به کشورهای دیگر گسترش یافتند. این جنبشها در ابتدا به عنوان جنبشهای اجتماعی مطرح شدند و به تدریج به جنبشهای سیاسی تبدیل شدند. این جنبشها در ابتدا به عنوان جنبشهای اجتماعی مطرح شدند و به تدریج به جنبشهای سیاسی تبدیل شدند. این جنبشها در ابتدا به عنوان جنبشهای اجتماعی مطرح شدند و به تدریج به جنبشهای سیاسی تبدیل شدند. این جنبشها در ابتدا به عنوان جنبشهای اجتماعی مطرح شدند و به تدریج به جنبشهای سیاسی تبدیل شدند.

اساس و طرح نظم بدیع الهی

نخستین اشعه ساطعه مدنیت جهانی آتی در تشکیلات اجتماعی بدیعی که حضرت بهاء الله بوجود آورده و تأسیس فرموده اندهم اکنون شروع بسطوع نموده و انوارش در آفاق اشراق کرده است. حضرت شوقی ربانی نظم اداری را که اصول و فرائض رهنمون اهل بهاء و اساس و طرح اجراء "اصول و مبادی سامیه" نظم بدیع جهانی است که مقدرگشته در میقات خود ظاهرو عیان گردد تبیین فرموده اند. آن نظم "بذراصلی" و "جنین" استقرار ملکوت الهی بر روی زمین است.

در هر شکل جنینی حیات - مثلا در جنین انسانی - جمیع استعدادات بلوغ موجود است لیکن آن استعدادات مخفی و مکنون میباشند فقط هنگامیکه جنین رشد میکند و بزرگ میشود اعضا و جوارح نمایان میگردد و تنها بعد از آنکه موجود جدید انسانی

مولود و بلوغ میرسد این استعدادات بمقام کمال میرسند .
 بهمین نحو در حیات روحانی و تشکیلاتی جامعه بهائی برخی از وجه
 تمایزات و خصوصیات هیئت اجتماعی جهانی را که مقدر گذشته
 مولود آلام و اسقام و بی نظمی این ایام گردید و بوجود آید ،
 انسان میتواند بتدریج شروع به مطابقت آن با روزا استعدادات
 بشری نماید . دیگر آنکه این علائم و آثار را چیزی بیش از کوچک
 ترین نشانه‌ای از قوانینیکه یک عالم انسانی متحد و روحانی روزی
 از خود ظاهر و با هر میسازد نیست . میتوان از بیانات مبارکه
 حضرت شوقی ربانی استنباط نمود که میفرمایند :

" تمام آنچه را که ما میتوانیم حکیمانانه و با جرات
 با هتمام آن مبادرت نمائیم محاهد مستمر برای حصول لمحبه
 بصری از اولین آثار طلوع صبح هدای بوعودی است که در میقات
 معین باید ظلماتی که عالم انسانی را احاطه ساخته رفع و
 برطرف سازد (۴) (ترجمه)

و جوه متمایزه نظم بدیع الهی :

نخستین آن مربوط و منوط به تعلیم اساسی دیانت بهائی
 است حضرت بهاء الله میفرمایند " فی الحقیقه عالم یک وطن
 محسوب است و من علی الارض اهل آن " حضرت بهاء الله اندر ز
 میفرمایند " مقصود اصلاح عالم و راحت امم بوده . این اصلاح و
 راحت میسر نشود مگر با اتحاد و اتفاق . " " نمو عالم و اطمینان
 عباد و راحت من فی البلاد از اصول احکام آن است . " (۵)

علیهذا مهمترین وجه تمایز جامعه بهائی آن است که از
 خلال اولین قرن بحرانی توسیع و پیشرفت خود سالها گذشته در
 عین حالی که وحدت و اتفاق جامعه آن استوار و کاملاً دست
 نخورده ، برقرار است .

۴- نظم جهانی حضرت بهاء الله صفحه ۳۵

۵- نظم جهانی حضرت بهاء الله صفحه ۲۰۳ کلچین الواح مبارکه

نهضت عظیم دیگری در جمیع تاریخ مدون دینی، سیاسی یا اجتماعی عالم که با این آزمایش کلی و عمومی مواجه شده باشد مبتنی بر این که حیات در جهان تابع و مطیع ادراکات و اظهارات ایمان و صداقت و وفاداری انسان است ضبط نگردیده. در هر مورد دیگری در همان مراحل اولیه روش انشاق در پیش گرفته شده و موجد فرق مذهبی و احزاب مختلفه گشته. تنها جا معهای که حضرت بهاء الله ایجاد فرموده در مقابل این آفت و ضایعه که زقرون کهن سابقه دارد موفق به مقاومت گشته. هیچیک از مساعی نفوسیکه برای نقض عهد و میثاق حضرت بهاء الله بکار رفته تا در جا مع بهائی ایجاد شقاق و اختلاف نماید بیش از دوران نسل معاصر خود فراتر نرفته است. یگانه فضیلت و منقبتی که بین و موجب و داد و یگانگی و اتحاد بهائیان است نوری است که بموقع خود جمیع عالم انسانی را مجذوب خود خواهد نمود. حضرت بهاء الله میفرماید نور اتحاد و اتفاق آنچنان شدید است که اشراقش جمیع آفاق را منور میسازد.

(۶) (ترجمه)

جا مع پیروان حضرت بهاء الله نیز ثابت و محقق ساخته که منقطع از ماسوی الله است. مثل مسیحیت و مذهب یهود و اسلام و مذهب بودا و هندو و کلیه ادیان بزرگ دیگر که ظاهر گشته آئین بهائی برای خود رسول مستقل و کتب مقدسه مخصوص بخویش دارد اهل بهاء گرچه با صول و عقاید اسلامی که منبت دیانت بهائی محسوب است معتقد و بشعائرش ارج مینهد لیکن علماء و دانشمندان غربی و مراجع مذهبی اسلامی هر دو آنرا بعنوان دیانتی مستقل شناخته و باین حقیقت

مقر و معترفند. اینجا با مزیت منحصر بفردی وجود دارد. هیچ نهضت دینی جدید دیگری وجود ندارد حتی آنها تیکه مبتنی بر ادعای انبیاء و رسل است تا مثل آئین بهائی در انفصال از کیش پر جذب آئین قبلی خود که آنرا بوجود آورده موفق شده باشند. آئین مومون و نهضت احمدیه و جامعه وادانتا که پیرو نوعی از فلسفه هندوست نمونه هائی ناشی از احادیث منقوله متواتره مسیحیت، اسلام و مذهب هندومیباشند که بفوریت و سهولت در نظر میآیند. در هر موردی نهضت جدید بمرور زمان وظیفه فرقه ای از مذهب ما قبل و مولد خویش را بخود گرفت و بطرف آن متمایل گشت. این مطلب برای انکار فضیلت و تحقیر فرقه های مذهبی نیست بلکه بیشتر برای شناختن محدودیتها ئی است که خداوند جهت عمل انسان برقرار و تعیین کرده و لو هر قدر هم ملهم و قابل تحسین باشد.

طی صد و اندسالی که امر بهائی در حال پیشرفت و ترقی بوده پیروانی از هر نژاد و طبقه و عقیده و ملتی از روی زمین را مجذوب و مفتون خود ساخته. آنچه جامعه پیروان حضرت بهاء الله را عمومی و جهانی میسازد آنست که این روش تجمع و تقویت جوامع بقیامت تشتمل و تفرق فرهنگی افراد و اعضا آن بوقوع نپیوسته است. هر فردی که بعرفان حضرت بهاء الله فائز میگردد اصول آداب و فرهنگ و شیم سنتی و حیاتی خود را رها نمیسازد بلکه برعکس انسان در این آئین مبین سیاق و سلوکی مییابد که میتواند در آن ارزش او صاف منحصر بفرد خویش را کاملاً تشخیص داده و آنها را بمثابه سیاق وحدت خود با انسانها بکار برده جمیع نوع بشر را از آنها منتفع و متمتع سازد.

معنا و مفهوم جامعه پیروان حضرت بهاء الله بیان و اصطلاح اجتماعی این اصل است "حصول وحدت در کثرت" که در سراسر ظهور الهی مبارکش ساری و طاری می باشد. امروز در دنیا شکل دیگری از اجتماع بشری وجود ندارد که این شایستگی را برای قبول پیوستگی کامل کلیه تجربیات بشری ارائه داده باشد.

چهارمین خصیصه نظم بدیع جهانی متابعت و انقیاد جمیع افراد از یک نظام اخلاقی است که بر تراز هرگونه نظم و روش میراث فرهنگی می باشد. برای وجود آوردن چنین اجتماعی جهانی باید وجدان بشری تغییر و تجدید یا بدویک سلسله معیارهای اخلاقی جهانی که همگام با عصر درخشان بلوغ انسانی است جایگزین هزاران آداب اخلاقی و رسوم و سنن پیشینیان گردد. آثار این تطوّر و تحول که صرفاً با یادگفت ماورای استعداد بشر امروز است کاملاً آشکار و پدیدار گشته و آغاز چنین دگرگونی عظیم برای هر ناظر بیغرضی که جامعه جهانی را مورد بررسی قرار می دهد نمایان و عیان است. علاوه بر ایمان و ایثار در سبیل مظهر امر الهی، مردم عادی در جمیع نقاط عالم خود را تسلیم روش تربیتی در جهت کمالات صوری نموده اند که من حیث المجموع نسبت به اهداف عالیّه پیشرفته ترین مصلحین اجتماعی بسی جامع تر و فراگیرتر است و تعالیم آنها مبتنی بر: ترک تعصبات، تحری حقیقت، تساوی حقوق رجال و نساء، عدالت اجتماعی و استقرار نظم بدیع جهانی می باشد.

جمال اقدس ابهی میفرماید، قوله عزبانه "آیا در قدرت بشر است... که بر عناصر مرکبه هیچیک از ذرات فوق العاده ریزو لای تجزی شیئی چنان تأثیر و نیروی و کاملی بگذارد که تراب را تبدیل به طلای ناب نماید؟ هر چند چنین عملی بس غامض و مشکل بنظر میرسد لیکن اعظم و محیر العقول تراز این تبدیل قوه شیطانی به

قوه رحمانی میباشد که اکسیر اعظم و از جمله نیروهای است که به ما ارزانی و اعطاء شده است. (ترجمه) "... و لکن تبدیل قوه ناسوتی بقوه ملکوتی ممکن، نزد این مظلوم آنچه این قوه را تبدیل نماید اعظم از اکسیر است، این مقام و این قدرت مخصوص است به کلمه الله و آن جوهری است که خوف را به اطمینان و ضعف را بقوت و ذلت را بعزت تبدیل فرماید..." (۷)

این تقلیب و تغییر هم مربوط به روح میباشد و هم به جسم. وجه تمایز و یکی از محسنات برجسته ای که موجب موفقیت و تقدم امر حضرت بهاء الله میگردد این است که دیانت بهائی تشکیلاتی است و بیشتر متکی به تشکیلات میباشد تا به افراد پیروان خود.

همچنانکه حیات جسمانی تنها ناشی از تکثیر و افزایش سلولها نمیباشد بلکه مولود نظام و تعادل موجود در بین اعضاء بدن انسان است که در اثر تشکیلات و نظامات آنها حاصل میگردد بدینگونه نظامات در جامعه انسانی نیز مؤثر و این مثال صادق میباشد. حیات اجتماعی گرچه از لحاظ تنوع و وسعت عضویت در خورا همیت است لیکن زندگی جمعی بستگی به نظام تشکیلاتی دارد. بدین علت است که توسعه سریع محافل روحانی بهائی در سراسر گیتی که هر یک هیئت مشورتی جنینی و ابتدائی با اختیارات کامل و وظائف مخصوص بخود به یک چنین موفقیت عظیمی نائل میگردد ولی با اینهمه، هستند نفوسی که بیهوده بدنیا میآیند یا فتن یک نهضت معاصر دیگر میروند که در تجسم روح تعالیم خود در یک سازمان تشکیلاتی مرتبط و سراسر جهانی، موفقیتی بدست آورند.

وحدت، استقلال، جامعیت، اصول اخلاقی جدید و یک سازمان تشکیلاتی جهانی تنها تعداد کمی از وجوه و خصوصیات میباشند که تمدن بشر آئینده را مشخص خواهد ساخت. بروز این

اقتدارات و قوای حیاتی برای جامعه انسانی که در مرحله فعلی در سریان است بمنزله جهشی جهت شکستن سدها و برداشتن موانعی است که در راه تکامل اجتماعی و روحانی نسل بشر وجود دارد. در این مورد بزرگی یا کوچکی، قدرت یا ضعف نسبی چنین جامعه‌ای و یا

شدت ضعف ابراز کیفیات و حسنات موهوبه این نظم جدید مطرح نیست چون بهر حال مبین ظهور نظم جدیدی در کائنات می‌باشد.

در سهور عدل الهی می‌فرمایند: "یا اهل البهائم قد جری کوثر الحیوان لانفسکم ان اشر بوا منه باسمى رغما" للذین کفروا باللّه مالک الادیان " (۸)

ما تنها هنگامی قادر بر درک مقصداً علای حضرت بهاء الله برای سعادت نوع بشر می‌گردیم که بعظمت معجزات مبارکش پی بریم. خصوصیات و کیفیات منحصر بفردیکه جامعه بهائی بروز و ظهورش را آغاز نموده از تمامیت و جامعیت اصولی نظم الهی که بدان بشارت می‌دهد سرچشمه می‌گیرد. آنچه حضرت بهاء الله برای نوع انسان بمنصه ظهور رسانیده ایجادش را لوده یک جامعه نوین جهانی متحد و احد می‌باشد آنچنان که یک دانه خود نمایشگریک واحد حیاتی می‌باشد.

جمال اقدس ابهی خطاب به ما می‌فرماید: "ولادت این خلق بدیع و ظهور غائی جمیع قوای فائقه مکنونه و اقتدارات محیطه مخزونه در آن مبین مشیت نافذه الهیه است که چون میقاتش فرارسد جمیع نوع بشر را در بر خواهد گرفت. قوله عزبیا نه:

۸ - صفحه ۱۷۱ انگلیسی و ۱۵۹ فارسی ظهور عدل الهی و ۱۶۳ جلوه مدنیت بهائی.

" ان ربكم الرحمن يحب ان يرى من فى الامكان كنفس واحده و
هیکل واحد. " (۹)

۹ - صفحه ۱۱۴ دیانت جهانی بهائی .

عهد و میثاق حضرت بهاء الله

سرجا معیت و کمال تشکیلات منصوص و بنیان مرصوص جا معه بهائی در میثاق عظیم و عهد قویم مکنون است که آن نیر آفاق تأسیس فرمود. در الواح و آثار مقدسه این عهد اقوام و پیمان اتم حضرت رحمن به "سفینه الهی" (۱۰)، "شریان نباض در هیکل عالم (۱۱) (ترجمه) و "محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و بس" (۱۲) همچنین به "عهد اوفی" و "مغناطیس تأئید" و "میزان کل شیئی" و "لواء مقصود" و "عهد قویم" موسوم و موصوف گردیده است - م.

میثاق بمنزله عهد و پیمان است. حضرت بهاء الله بمثابه جمیع انبیاء عظام و مظاهر مقدسه الهیه سلف خویش و عسده فرمودند که پس از انقضاء هزار سال کامل یا بیشتر از دور بهائی که دوره اولی این کور مکرّم است از جانب خداوند جلیل اکبر شارع مقدس دیگر ظاهرو مبعوث خواهد گشت. (۱۳) چنانچه در

۱۰- صفحه ۲۳۹ گادپا سزبای وصفحه ۸ جلد سوم قرن بدیع

۱۱- صفحه ۱۸۵ ظهور دیانت بهائی

۱۲- صفحه ۲۳۸ گادپا سزبای وصفحه ۶ جلد سوم قرن بدیع

۱۳- صفحه ۶۸ میثاق بهاء الله

کتاب مستطاب اقدس میفرمایند: "من یدعی مرا قبل اتمام الف
سنه کامله انه کذاب مفتر"۔ م

خداوند پدیا مبرانش را مبعوث فرمود تا جانشین موسی و مسیح
شوند و ظهورات مظاهر مقدسه تا آخر لا آخر استمرار خواهد یافت
چنانچه جمال قدم جل اسمہ الاعظم در سورہ الصبر کہ همان یوم
اول ورود آن جمال سبحان بباغ رضوان در بغداد در ۲۱ آوریل
۱۸۶۳ مسیحی مطابق سی و دوم نوروز سال ۱۲۷۹ هجری از قلم
معجزشیم مبارک نازل گشته میفرمایند: "بعث الله بعد موسی
وعیسی رسلاً وسیرسل من بعدالی آخر الذی لا آخر له بحيث لن
ینقطع الفضل عن سماء العنایه" ... (۱۴) بعلاوه حضرت
بهاء الله عهدی جدید و فرید که نظیر و مثیل ندارد با پیروانشان
بستند که در هیچیک از شرایع سابقه چنین پیمان قویم که در
این دور کریم تأسیس گردیده مشهود نیست. "الذی اخذہ الله
فی ذال بقا"۔ م .

حضرت عبدالبهاء میفرمایند این میثاق عظیم الهی "از
اعظم خصائص شاخصه و شئون ممتازہ ظهور حضرت بهاء الله و این
کورافخم محسوب" (۱۵) همچنین میفرمایند "از اول ابداع
الی یومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه چنین عهد محکم و متین گرفته
نشده"۔ م .

بنابه مشیت الهیه و اراده حضرت بهاء الله این پیمان
محکم که شامل تشکیلات متمرکز جهانی میباشد قادر است به اهل
عالم یگانگی و اتحاد، هم آهنگی و و داد بخشد و موجب سرعت و
تکامل عناصر مختلفه و ملل متباینه لانهایه از هر نژاد و طائفه
گردد. نقش انسان بعنوان فرد در این میان تفویض کلیه آمال

۱۴- صفحه ۱۱۶ نظم جهانی حضرت بهاء الله، صفحه ۴۶۸ جلد ۴
مأثده آسمانی و صفحه ۳۵ دوربهای.

۱۵- ترویج صلح عمومی.

وآرزوهای خویش بمشیت این ظهور اعظم خداوندتکریم و اختیارات کامله و عمیم این مرکز عهدقویم است .

حضرت عبدالیهاء مرکز عهدوميثاق حضرت بهاء الله میباشند حضرت بهاء الله وظائف عظیمه تبیین احکام و تعالیم مبارکه اقامه دلائل و براهین برقا بلیت اجراء و قدرت و قوت دستورات عالیه ، مهندسی نظم بدیع و طرح تا سیسات و تشکیلات جلیله ایکه تا شیرات تعالیم الهیه را پرقوام و دوام سازد به نجل جلیل مبارکشان محول فرمودند . حضرت عبدالیهاء وظائف مشخصه مدتازه منحصر بفرد خویش را به احسن وجه بمرحله اجراء درآوردند . بموجب بیانات گهربار حضرت ولی عزیزا مرالله ، مقامات عالیات حضرت عبدالیهاء را لسان عظمت بخطبات درییات : "سرالله الاقوام القویم" و "غنص الله الاعظم العظیم" و "من طاف حوله الاسماء" و "من اراده الله" مخاطب میسازند . با این بیان جمال اقدس ابهی حضرت عبدالیهاء درافقی خاص قائم میباشند لیکن مرتبتشان با مؤسس و مبشر ظهور بهائی متفاوتست در حالیکه ما نمیتوانیم عنوان منیع "سرالله" را عنوان رسالت آنحضرت قرار دهیم مع الوصف حاکی از آن است که چگونه خصوصیات و صفات عالیه بشری با فضائل و کمالات الهی در نفس مقدس حضرت عبدالیهاء ممزوج و مجتمع گشته است . (۱۶)

در کتاب مستطاب اقدس که حاوی احکام شرعیه الهیه است حضرت بهاء الله صریحاً مقام حضرت عبدالیهاء را بیان فرموده اند ، قوله جل سلطانہ " اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدأ فی المال توجها الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القدیم" و نیز میفرمایند " اذا طارت الوراق عن

۱۶- صفحه ۵۸ دوربهائی و صفحه ۱۳۴ نظم جهانی بهائی .

دیک الشناء و قصدت المقصد الاقصى الاخفی ارجعوا ما لاعرفتموه من
 الكتاب الی الفرع المنشعب من هذا الاصل القديم . " (۱۷)
 جمال اقدس ابھی در کتاب عہدی کہ از کلک اطہر شان صادر
 گشته بکمال صراحت و تاکید میفرمایند " مقصود از این آیه مبارکہ
 غصن اعظم (حضرت عبدالبہاء) بوده . (۱۸) و در سورہ مبارکہ "غصن"
 کہ در ارض سراز مخزن قلم اعلی نازل این آیات تا مات در شأن
 آن غصن دوحہ بقاء و فرع سدرہ منتهی مندمج گشته قولہ
 الاعزاز لامنع الالبہی "وقد انشعب من سدرہ المنتهی هذا الہی کل
 المقدس الالبہی غصن القدس فہنیاً لمن استظل فی ظلہ وکان من
 الراقدین قل قد نبت غصن الامر من هذا الاصل الذی استحکم اللہ
 فی ارض المشیتہ وارتفع فرعہ الی مقام احاط کل الوجود
 فتعالی من هذا الصنع المتعالی المبارک العزیز المنیع . . .
 قل یا قوم فاشکر اللہ بظہورہ لانہ لہو الفضل الاعظم علیکم و
 نعمہ الاتم لکم وبہ یحیی کل عظم رمیم من توجہ الیہ فقد توجہ
 الی اللہ فمن اعرض عنہ فقد اعرض عن جمالی وکفر ببرہانی وکان
 من المسرفین انہ لو دیعہ اللہ بینکم و امانتہ فیکم . . .
 ان الذینہم منعو انفسہم عن ظل الغصن اولئک تاہوا فی العراء
 و احرقتہم حرارہ الہوی وکانوا من الہالکین . " (۱۹)
 با ایجاد و تأسیس مرکز میثاق حی مبین و پیمان حضرت رب -
 العالمین حضرت بہاء اللہ مشکلات قدیمہ و مسائل قرون سالفہ را
 در مورد اختیارات کلیہ تشکیلات اجتماعی جوامع انسانی برای
 بہائیان حل فرمود . در سراسر تاریخ انسانہا بطور متناوب بہ
 طرف اقتدار و اختیار مجدوب و پس از مدتی از آن منزجر و گریزان
 گشتہ ، از طرفی افراد بشر خوبی تشخیص دادہ اندکہ برای حصول

۱۷- صفحہ ۵۸ دور بہائی و صفحہ ۱۳۴ نظم جهانی بہائی .

۱۸- صفحہ ۱۲۴ نظم جهانی حضرت بہاء اللہ .

۱۹- صفحہ ۲۰۵ دیانت جهانی بہائی - سورہ مبارکہ غصن .

هر مرحله‌ای از صلح و آرامش، نظم و آسایش و آزادی موجود مرجعی مقتدر اساسی و لازم است و از سوی دیگر مکرر مصائب و متاعب و اراده از اقتدارات برای نگونه توفیقات حاصله را بررسی نموده عاقبت معترف شده‌اند که زندگی کردن تحت سلطه قدرت و صفوت و چه بدون آن هر دو غیر ممکن بنظر میرسد.

حیات مبارک حضرت عبدالبهاء بنحو بارزی نقطه عطفی بر این تاریخ طولانی و ناخوش آیند میباید. تا شیرات حیات سراسر طبیعت آن جوهر حسنات بر روی آنها که بکلی خود را بنده و ارادری اختیار آن منبع نفوذ و اقتدار قرار دادند، دلائلی است رصین و براهینی متقن و متین که قدرتی را که ما خدایش میخوانیم ظالم و بی رحم و یابی ثبات در اراده نیست بلکه خیر و کریم و بحد اعلی دانا و رحیم است. آثار خارجی آن مظاهر مقدسه یک قدرت معنوی و اخلاقی است که خود قسمتی از نظم آفرینش هستند و برهان تفویض و تسلیم محض در مقابل اراده الهی موجود حریت و آزادی حقیقی میباید که علی‌الظواهر نکته‌ای متناقض بنظر میرسد.

حضرت بهاء الله باین کلمات عالیات ناطق قوله الاحلی "وکلما امرت به عبادک بدایع ذکرک وجواهر شنائک هذا من فضلک علیهم لیصعدن بذلک الی المقر الذی خلق فی کینوناتهم من عرفان انفسهم وانک لم تزل کنت مقدسا عن وصف مادونک و ذکر ما سویک وتکون بمثل ما کنت فی ازل الازل لاله الانست المتعالی المقتدر المقدس العلیم". (۲۰-م)

چنین اصول و مبادی بر حیات جامعه بهائی حاکم است. خصوصیات ممتازه منحصر بفردیکه امروزه جامعه اسم اعظم را متمایز ساخته و دارای چنین اهمیت عظیمی برای آینده عالم

انسانی است اثرات مرافت و تشریک مساعی جمیله مؤمنین اولیه این آئین مبین میباشد که سعادت خدمت را مستقیماً تحت لوای هدایات و دلالات حضرت عبدالبهاء داشته اند و اکنون ثمراتش بخوبی مشهود و عیان است. تاریخ حیات آنها بوضوح حقیقت نهفته در معاشرت و مشارکت با جمیع جوامع بشری را آشکار میسازد. تجلیات این پدیده حقیقی که ما آنرا "وحدت" نام نهاده ایم ثمره یک سلسله تلفیقات نمیشود بلکه نتیجه یک اسلوب و روش روابط معنویه انسانی است که در جامعه زمانی بوجود میاید که تمام افراد ذینفع در آن به سرحد واحد عشق و دوستی که اعضاء آن جامعه را پرورش داده و صیانت مینماید متمرکز گردند. مرکز وحدت که مرکز میثاق است و حضرت بهاء الله آنرا تأسیس فرمود از لحاظ ظرفیت برای جلب و حفظ صداقت و وفا - داری کلیه افراد بشر بیدیل و مثیل میباشد.

هنگامیکه حضرت عبدالبهاء جل شانه در ۲۸ نوامبر ۱۹۲۱ مسیحی مطابق ۶ قوس ۱۳۰۰ هجری شمسی در حیف بملکوت ابهیی صعود فرمودند عهدا و فی جمال اقدس ابهی چنانچه در زیر الواح مبارکه آن مظهر ظهور الهی تنصیس و تأسیس گشته و در آثار مبارکه مشخص و مسطور و مذکور است بنیانی رصین در قلوب مؤمنین این آئین نازنین یافته و قویا جایگزین شده بود.

جمیع ترقیات امرالله که پس از عروج حماه میثاق در آفاق مشهود گشته و کلیه پیشرفتهای بدیعه که در مستقبل ایام نصیب امر اقدس ابهی و مستظلمین رایت بیضاء خواهد گشت جلوه و بروز این ودیعه قوه ربانیه یعنی مرکز عهدا تم اقوم جمال قدم جل ذکره الاعظم است. هر یک از مؤسسات بدیعه

و مشروعات بهیه که از قلم منیر شاعر قدیر و مالک اختراع در کتاب عهدی ابداع گشته بوسیله حضرت عبدالبهاء بوضوح تام و صراحت تمام تبیین و تشریح و گاهی ترسیم و منظم گشته و در چندین مورد بدست توانای شخص سرکار آقا ترویج و برپا گردیده است. تعالیم مبارکه حضرت بهاء الله که با جلوه تدریجی آثار احکام کتاب مستطاب اقدس حال بمرو را یام در نطساق امرالله ظاهر و باهر میگردیدیکباره بطور کامل در دوران حیات مبارک حضرت عبدالبهاء که مثل اعلای حیات بودند بمنصه ظهور رسید. جامعه بهائی امروز که مرکب از ملل و نحل با خصوصیات اخلاقی مختلفه است این گوناگونی را مادیون تحرک و قوه فعاله نباضه عظیمه عشق و دوستی لانهایه ای میباشد که حضرت عبدالبهاء بدون تبعیض و استثناء بجمیع افراد از هر نژاد و ملیت و سلیقه و خصوصیت و شخصیت ارزانی داشته اند، محبت و عشقی که آن نفس مقدس و جلیل باصبری جمیل در جمیع نفوس مستعدده پرورش داده و بآنان القاء و اهداء میفرمودند. با مال گسترش امرالله در سراسر جهان مرهون اسفار تبلیغی تاریخی حضرت عبدالبهاء به ممالک غرب است و از هر جهت بر اساس مطروحیه هدایات و دلالات مدونه مسطوره در الواح مبارکه نقشه ملکوتی میباشد که این هیكل اطهر موجود و مؤسس آن بودند.

عدل الهی

وقایع و حوادثی که در این چنددهه اخیر اتفاق افتاده و ما شاهد آن میباشیم نخستین مرحله شکوفائی سلطه ربانی است که حضرت بهاء الله با تأسیس عهدهاتم اقوام خود و تعیین حضرت عبدالبهاء بمنزله مرکز میثاق آن نیر آفاق برای اصلاح امور بشر مستقر فرمودند. در ایام حیات حضرت عبدالبهاء این سلطه و اقتدار بطور کلی بر افراد متدین و مؤمن که آنرا همچون محبت الله نصب العین و سرمشق زندگی خود قرار دادند تا شیر و فیر گذاشت. این محبت الهی قلوب یاران را تسخیر و سجایای اخلاقی آنان را دگرگون ساخت.

با ارتقاء و اعتلاء جامعه جهانی بهائی قدرت عشق و ایمانی که در هویت امر مالک عباد متمکن و مودوع است حال بصورت قوه محرکه ای که روابط اجتماعی انسانها را متشکل میسازد آغاز به ظهور و بروز خود نموده است. صفوت و قدرتی که حضرت بهاء الله

آنرا بر هر چیز دیگری برتر شمرده و مقامی والا بدان عطا فرموده‌اند، در آن مکنون است و مبین خصوصیات و کیفیات اصلیه نظم جهانی است؛ امع اعلايش ميباشد. آن جمال سبحان باين بيان احلى ناطق: (يا ابن الروح) "احب الاشياء عندى الانصاف" (۲۱)

هنگامیکه عدل الهی در ظل میثاق نیر آفاق اعمال گردد کافه نوع بشر را در بر گرفته و تحت نفوذ خود مستظل خواهد ساخت. حضرت بهاء الله میفرماید: "قوله جل کبریائه" سراج عباد داد است، او را بادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش نمائید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد. " (۲۲) آن طلعت رحمان چنین شرح و بیان میفرماید که صلح عمومی و ظهور یک مدنیت جهانی بستگی تام با ایجاد وحدت و اتحاد در بین عباد دارد، قوله العزیز:

"مقصود اصلاح عالم و راحت امم بوده این اصلاح و راحت ظاهر نشود مگر با اتحاد و اتفاق و آن حاصل نشود مگر بنصائح قلم اعلیٰ." " دین الله و مذهب الله محض اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت مالک قدم نازل گشته و ظاهر شده آنرا علت اختلاف و نفاق مکنید... و " نمو عالم و تربیت امم و اطمینان عباد دوراحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی است... و " نور اتحاد و اتفاق آفاق را روشن و منور نماید. " (۲۳)

بیت العدل اعظم الهی استنتاجات از این حقیقت را چنین توجیه میفرماید:

"اکثرناس مخالف این نظریه هستند. آنها وحدت را هدف غائی و تقریباً بعید الحصول شایدهم دست نایافتنی میانگارند و توجه خویش را نخست متمركز و معطوف به علاج سایر آلام و اسقام

۲۱- کلمات مکنونه عربی صفحه ۲

۲۲- دیانت جهانی بهائی صفحه ۱۸۲، کلمات فردوسی

۲۳- نظم جهانی حضرت بهاء الله صفحه ۲۰۳، اشراق نهم، گلچین الواح مبارکه

نوع بشر میدارند. ایکاش آنان باین حقیقت واقف بودند که
اینهمه مصائب و مشکلاتیکه ما با آنها مواجه هستیم چیزی نیست
جز مظاهر مختلفه و اثرات متفرعه از افساد یعنی نفاق و شقاق
در بین اهل آفاق. " ۲۴- (ترجمه)

احکام حضرت بهاء الله

عدل الهی که وحدت عالم انسانی را بوجود میاورد و محقق میسازد در هیچ جایی جز در احکام الهی نمیتوان یافت ، قانون اساسی و زیربنای جمیع جوامع انسانی است ، بدون آن استقرار نظم غیر ممکن است و بدون نظم چهارچوب مشخصی وجود نخواهد داشت که در محدوده آن دیگر فعالیت های معنوی ، فرهنگی ، فنی فکری و عقلانی را که با جوامع بشری ارتباط ناگسستنی دارند بتوان گسترش داد .

حتی آزادی فردی به احکام و قوانین بستگی دارد . یکی از غریب ترین تناقضات زندگی بشری که برخلاف ظاهر با واقعیت مطابقت دارد اینست که برای آزاد بودن انسان باید آزادی خویش را بدست نوعی از قوانین و مقررات بسپارد . در حقیقت میزان آزادی هر فرد بستگی کامل بمیزانی دارد که خود را ضربه تسلیم آن باشد .

یک مثال بارز مسئله عبور و مرور در یک شهری مدرن است. چونکه همه ما (ویا لاقلاً اغلب ما) محدودیات و مقررات کسالت‌آوری مثل معطلی پشت چراغ‌های قرمز، مراعات حداکثر سرعت با توجه به علائم گوناگون راهنمایی را قبول می‌کنیم تا بتوانیم با سرعت و راحت در پیچ و خم‌های وسیع خیابانها حرکت کنیم و در یک روز چند کار مختلف را انجام دهیم. فردی که از یک دهه دور افتاده از تمدن به چنین شهری می‌آید، کلیه این نظم و ترتیبها بنظرش مخوف و معجز آسا می‌آید. بنظر مشارالیه ساکنان این شهر از آزادی خدایان برخوردارند هر چند از نعمت فراست و ذکاوت خدایان بی بهره باشند. اگر مقررات راهنمایی و رانندگی حتی برای یک روز معلق و زیر پا گذارده شود همین خدایان پر قدرت بسدام هرج و مرجی گرفتار میشوند که سرعت آنها را به زیونتری تمام موجوداتی با وضع غیر متناسب مبدل می‌سازد. چنانچه تمام قوانین و مقررات دیگر مقارن هم متروک و نادیده گرفته شوند اغلب آزادی‌هایی که موجودات انسانی از آنها بهره مند می‌گردد در یک چشم بهم زدن معدوم شده از میان خواهند رفت.

متأسفانه این همان اتفاق هراسناکی است که در عصر حاضر درست در حال وقوع است. تمام قوانین و مقررات و تجاربی که از پیشینیان بمانده ارث رسیده، علناً متروک و مطرود و بطور مداوم فرسوده میشوند. قسمت عمده این انحطاط لازم و ضروری است چنانچه انسانها از محدودیات فرهنگی خود پاره‌پاره شده و بمنزله یک نژاد بشری زندگی نمایند. این شکست بهر صورت منطقی، معقول و محاسبه شده نیست، بلکه بطور کلی و مطلق است، چون قانون شکنیها میشود و مقررات نادیده گرفته میشوند

تنها باین دلیل که قانون هستند و راهی بطرف آزادی محسوب نمیگردند بلکه آنها را افراد مانع و سدّی برای آزادی و حصول این هدف‌نهایی خود میپندارند. بهائیان بخوبی میدانند که این مرحله متوقف نخواهد گشت تا صبح موعود الهیه بر دم‌دو جهان جهان دیگر شود.

حضرت بهاء‌الله اخبار و اناذار میفرماید که این روش سرانجام بنیان هر یک از نظامات اجتماعی موجود را که بشر طی سالیان طولانی فراهم آورده ویران و نابود خواهد ساخت. "غبار آشوب و بی‌نظمی و بی‌دینی قلوب ابناء انسان را تیره و تار کرده و ابصارشان را کور نموده"، "عنقریب جمیع حکومتات روی زمین تغییر یا بدو ظلم و عدوان سراسر جهان را فراگیرد و پس از یک تشنج عالمگیر آفتاب عدالت از افق ملکوت غیب طلوع گردد." (۲۵) "سوف یطوی بساط الدنیا ویبسط بساطا آخر." مهمترین مسئله در مورد احکام مبدا و مأخذ آنهاست. نفوس بسیاری هستند که هنوز یا بند فرضیه‌ها و عقاید فلاسفه سیاسی میباشند و مدعی هستند که مدرنترین جمهوریهای جهان بر اساس اصول آنها پایه‌گذاری شده است. بهر حال امروزه تعداد روزافزونی از مردمان بفاصله عمیق بین این فرضیه‌ها و تفاوت فاحش آنها با حقایق ذاتی انسان پی برده‌اند، آنها دیگر طالب نظریه و فرضیه نیستند بلکه خواهان دستیابی به اعتدال، عدالت، حقانیت و آزادی معنوی میباشند.

حضرت عبدالبهاء با صراحت تام منبع و منشاء قوانین و احکام را بیان فرموده‌اند:

"ادیان الهی مؤسس حقیقی کمالات معنویه و ظاهریه انسان

و مشرق اقتباس مدنیت و معارف نافعہ عمومیہ بشریہ است". (۲۶) ایضاً میفرمایند " اعظم اساس متین رصین و اکبر بنیان قویم رزین که محیط بر آفرینش و کافل کمالات معنویہ و صورتیہ و ضابط سعادت و مدنیت هیئت عمومیہ بشریہ است دیانت است . " همچنین میفرمایند : " بعضی نفوس چنان گمان کنند که ناموس طبیعی انسان مانع ارتکاب اعمال قبیحہ و ضابط کمالات معنویہ و صورتیہ است ... اگر در تواریخ عمومیہ دقت نمائیم واضح و مبرهن شود که ناموس طبیعی از فیوضات تعالیم انبیاء الهی است . " (۲۷) ایضاً میفرمایند " دیانت اس اصول اصلیہ انسانیت و مدنیت است . "

هریک از ظهورات الهیہ سرچشمہ حقیقی احکام است ، هنگامی احکام بعنوان اساس برای جامعہای محسوب و مؤثر میباشد که وجدانیات بشر را تغییر و بروی آن تاثیر بگذارد . در جمیع کتب و زبر مقدسہ قلب منیر یا وجدان و ضمیر انسان مکرر بعنوان " ارض " مذکور گردیده . تنها مظاهر الهیہ هستند که قادرند ریشه های رزین احکام را در این زمین مرغوب عمیقانه و نیک جایگزین نمایند . مادام که ریشه های قوانین و احکام مؤسسات جامعہای در قلوب توده مردم بنحوی محکم و استوار استقرار نیافته نظم اجتماعی نمیتواند مستدام و پایدار بماند و هیچگونه پیشرفتهای حقیقی فرهنگی حاصل نمیکردد . تاریخ

بهاء اللہ بنام " کتاب اقدس " موسوم و موصوف فرموده اند . آنچه

۲۶- رسالہ مدنیہ ، صفحہ ۹۴-۱۲۵

۲۷- رسالہ مدنیہ ، صفحہ ۹۷-۱۲۸

برای هر شخصی که نسخه اصلی این کتاب مستطاب را که بلسان عربی نازل گشته معاینه و مطالعه نموده و فوق العاده شایان توجه بنظر میرسد آن است که چگونه این همه احکام و فرائض شرعیه مقدسه و مواضع مختلفه برای دیانت بهائی در یک چنین مجلد کوچکی چون مخزن لئالی ربانیه و منبع فیوضات سبحانیه بنحوی جامع و فشرده تدوین گردیده است . علت آنست که کتاب اقدس فقط اصول اساسی را در مورد هر یک از مواضع احکام بیان مینماید . آیات عالیات که طولانی تر تفسیر گشته مربوط به مبادی سامیه روحانی و نظم اجتماعی است که مقرون بموضوعات خاص و منحصر بفرد میباشند . یکی از فضایل برجسته و نامدار بنام پروفیسور آ . تومانسکی قلم معجزشیم حضرت بهاء الله را آن کتاب اقدس را به سبکی خاص آن حی قیوم مرقوم فرموده اند شبیه پرنده ای نموده که در عین حال که در اعلام مراتب دید و تصور بشرد را وج و پرواز است حال لحظه ای بطور ناگهانی فرود میآید تا با ساده ترین و عادی ترین مسائل حیات روزمره جمیع ناس تماس حاصل نماید .

کتاب مستطاب اقدس

کتاب مستطاب اقدس (الصحیفه العلیا والوجه العظمی و قسطاس الهدی بین الوری - م) مشتمل بر اصول و مبادی بدیعه رفیعه و احکام قیمه مقدسه شریعه الله و تعالیم الهیه که تباشیرانتشار آثار امریه است در سنین مؤخره حیات مبارکه در بیت عبود در مدینه محصنه عکا از مخزن قلم اعلی عز نزول یافته. این کتاب مستطاب بخودی خود یک سیستم حقوقی نیست و مفاهیم آن بطور صحیح جز آنچه در مجموعه آثار مبارکه بنحوی دقیق و جامع و عمیق تفسیر و تبیین میگردد نمیتواند باشد. در این مقام محبوب مالک انام ولی امر دینت مقدس بهائی چنین میفرماید: قوله الجلیل: " علت اینکه کتاب مستطاب اقدس در بین جمیع اعیان منتشر نگردیده آنست که اولاً امر الله هنوز آماده این کار نمیشد یا جامعه بنحو کافی تاکنون بحد بلوغ و کمال خود نرسیده تا بشود جمیع مقدمات احکام این سفر جلیل را مجری

ساخت ، ثانیاً این صحیفه علیاً احتیاج به مکمل حـاوی تبیینات مشروحی دارد و بایدا این کتاب مبین توسط یک هیئت ذی صلاحیت از متخصصین به السنه دیگر ترجمه گردد. احکام و قوانین این سفرکریم بتدریج بموازات پیشرفت و تقدم امر نازنین رب العالمین هم اکنون در شرق و غرب عالم بمرحله اجرا گذارده میشود. " ۲۸ (ترجمه)

رابطه بین مطالب کتاب اقدس و قانون در آئین بهائـی بمثابه رابطه بین دانه و بوته گل مقایسه گشته است . با اینکه بوته گل بتما مهادر دانه نهفته و مکنون است ولی حتی با ذره بین قابل کشف و رؤیت نمیشود لیکن یک سیر طبیعی طولانی آنرا ظاهر و آشکار میسازد . بهمان شکل نیز فقط یک مطالعه جامع و کامل تعالیم بهائی راجع بهریک از موضوعات که توسط فضلا و دانشمندان مجرب که جمیع منابع اطلاعات امری در دسترس آنها باشد و تحت هدایت و دلالت امناء بیت العدل اعظم الهی اقدام نمایند بعمل آید میتواند موجب تنظیم بیانی مدون از قانون بهائی درباره هر موضوعی گردد .

حضرت بهاء الله در این مقام میفرماید قوله جل سلطانہ "وانک ایقن بان ربک فی کل ظهور تجلی علی العباد علی مقدارهم مثلاً فانظر الی الشمس فانها حین طلوعها عن افقها تكون حرارتها و اثرها قلیله و تزداد بعد درجه لیستأنس بها الاشیاء قلیلاً قلیلاً الی ان یبلغ الی قطب الزوال ثم تنزل بدرائج مقدره الی ان تغرب فی مغربها کل ذلک من حکمه الله ان انتم من العارفین وانها لو تطلع بغتته فی وسط السماء یضر حرارتها الاسماء کذلک فانظر فی الشمس المعانی لتکون

من المطلاعین فانها لوتستشرق فی اول فجرالظهور بانوارالهی
قدرالله لها لیحترق ارض العرفان من قلوب العباد لانهم لن
یقدرن ان یحملتها و یستنکس منها بل یضطربن منها و یكونن
من المعدومین. " که مضمون آن بفارسی چنین است :

بیقین مبین بدانید که در جمیع شرایع اشراق انوارالهی
بقدر استعداد و قابلیت روحانیه نفوس بوده است ، ملاحظه
نمائید اشعه شمس هنگامیکه در افق ظاهر میگردد چه مقدار ضعیف
است و چون بوسط السماء رسد حرارت و ضیانش بتدریج ازدیاد
میآید تا جمیع کائنات بتوانند تحمل انوار دائم التزاید آنرا
بنمایند و سپس رفته رفته قوس نزول می پیماید تا بالمال افول
نماید . اگر این قوه مکنونه بغتته ظاهر میگردد بلاشک به جمیع
کائنات لطمه شدید وارد میساخت . همچنین اگر شمس حقیقت در
اوائل ظهور جمیع قوای مودوعه خویش را که خداوند با عطا فرموده
ظاهر میساخت ادراکات نفوس مندرک و نابود میشد زیرا قلوب بشر
هرگز نمیتوانست شدت ظهور را تحمل نماید و یا انوار ساطعه آنرا
منعکس سازد بطوریکه جمیع منصعق و مدهوش و از موهبت حیات
محروم میشدند . (۲۹)

در رقیمه بهیه ای که از قبل حضرت ولی امر الله مرقوم گشته
نیز میفرماید : " هر زمان که حدود و احکام منزله ازیراعه
حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس قابل اجراء باشند و
مباین قوانین مدنی سرزمین و کشوری نباشند برای هر فردی از
احباء یا مؤسسه بهائی خواه در شرق و خواه در غرب عالم قطعیا
الزام آوراست . بعضی از احکام از قبیل صوم و صلوه ، رضایت
والدین قبل از ازدواج ، اجتناب از صرف مشروبات الکلی و

داشتن یک همسر، در زمان حال باید بطور کلی توسط جمیع یاران راستان در سراسر جهان کاملاً رعایت گردد و از فرائض محتومسه میباشند. سایر احکام برای وضع و حالت جامعه‌ای که مقدر است از اوضاع هرج و مرجی که امروز شایع و حکمفرماست خارج شود تدوین گردیده است. وقتی کتاب اقدس طبع و نشریابد این موضوع بیشتر تبیین میشود و روشنتر میگردد. علاوه بر تبیین مسائل غامضه حاصله از اجرای احکام الهیه منزله ازیراعه مبارک حضرت بهاء الله که دارای اهمیت ثانویه میباشند، بیت العدل اعظم الهی نیز اوضاع قوانین و احکام غیر منصوصه میباشد. (ترجمه - ۳۰م)

برای مدت ۶۵ سنه فاصله بین صعود حضرت بهاء الله جلالت عظمت تا تاریخ صعود حضرت ولی محبوب امرالله (۱۸۹۲ تا ۱۹۵۷ مسیحی) عالم بهائی تنها از طریق هدایات و دلالات دو مرجع مخصوص و مبین منصوص کتاب الله یعنی حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی به احکام کتاب اقدس دسترسی داشتند. همینکه مقتضیات اوضاع ایجاب نمود حضرت مولی الوری و حضرت ولی امرالله متن احکام حضرت بهاء الله را فراهم و تنظیم فرمودند تا سئوالات را جوابهای صریحه داده هدایت بخش جامعه‌های نورسته بهائی که در اطراف و اکناف عالم شکوفا و متشکل میشوند گردد. طریق دیگری که اعیان بتوانند امریه مبارک حضرت بهاء الله را جهت توجه به احکام کتاب اقدس اطاعت نمایند نبوده چه که این یگانه طریق مصوبه در آثار مبارکه آن مالک بریه است. بیت العدل اعظم الهی طی کلمات دریات خود میفرمایند:

۳۰- صفحه ۶ تلخیص و تدوین کتاب اقدس

طی سی و شش سال دوران ولایت با فخامت و جلالت حضرت شوقی ربانی که طرح نظم اداری حضرت بهاء الله تثبیت و اساس تشکیلاتی نهاده شد و سائط و اسباب اجرای نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء جهت انتشار امرالله در سراسر جهان بحرکت درآمد و چون این جریانات دوگانه یعنی تحکیم نظم اداری و توسعه انتشار آئین مبین رو ب تقدم نهاد بتدریج طبق پیشرفت امرالله آن قسمت از احکام کتاب مستطاب اقدس که بنظر هیکل اطهر قابل اجرا و انجامش بموقع بود و مستقیماً مغایر قانون مدنی نبود اعمالش آغاز و بمرحله اجرا گذارده شد. (ترجمه م.) (۳۱)

همانطوریکه حضرت ولی امرالله که بنفسه المقدس کار را آغاز نمودند پیش بینی فرموده بودند بیت العدل اعظم الهی مشغول تکمیل تدوین احکام کتاب اقدس که بالمآل اقدامی اساسی در سبیل طبع و انتشار این رق علیاً میباشد گردید و به آن مبادرت ورزید. این وظیفه خطیره در لیله جشن منوی نزول کتاب مستطاب اقدس (که در سنه ۱۸۷۳ در بیت عبود از سماء مشیت رحمانیه در عکاناتزل گشته - م) انجام و اتمام یافت. بیت العدل اعظم تأکید شدید میفرمایند " بر تعداد احکام که در حال حاضر بر احباء فرض و واجب الاجراست در نشریه تلخیص و تدوین این صحیفه ربانیه اضافه نگردیده. هر زمان بیت العدل اعظم الهی صلاح و مقتضی بدانند به یاران راستان اطلاع خواهد داد که چه حدود و احکام اضافی دیگر برای آنها الزام آور و از فرائض آنان میباشد. بدیهی است آنچه لازمه هدایت و وضع قوانین مکمله جهت اجرا توسط احباء باشد مقرر خواهد فرمود. " (۳۲) (ترجمه)

۳۱- صفحه ۶ ، تلخیص و تدوین کتاب اقدس

۳۲- صفحه ۷ ، تلخیص و تدوین ترجمه انگلیسی کتاب مستطاب اقدس

همراه وتوام باطاعت تام، کتاب اقدس الزاماً دعوت بفهم
خصائص روحانی احکام منزله از سماء مالک بریه بنحوی اساسی
مینماید. در این رق منشور مکلم طور میفرماید:

"لتحسبن انا انزلنا لکم الاحکام بل فتحنا ختم الرحیق
المختوم باصابع القدره والاعتداریشهد بذلك ما نزل من قلم
الوحي تفکروا یا اولی الافکار." (۳۳)

در این آیه شریفه جمیله احلی جمال اقدس ابهی اشاره
میفرماید که بشر در اطاعت تام از احکام این ظهوراتم اقوم
باستشمام "رائحه" مسکيه قميص ذات الهی فائز و متباهی
میگردد. مقصد حقیقی حکم الهی است که ما را قادر سازد تا
"بمقامی اسنی ارتقاء یا بیم" که به هستی باطنی ما اعطاه
گشته و بعرفان نفس خویش مفتخر گردیم.

درک این معنی احباء رادرقبال هرگونه اهتمام داوری
و تشخیص احکام الهیه با موازین تمدن بشری مصون و محفوظ
خواهد داشت. بخوبی روشن و مبرهن است که آینده بشر با تمدن
یوم حاضر تفاوت فاحش دارد. صرف نظر از هر چیز دیگر بنحو روز
افزونی محقق میگردد چیزی را که ما امروزه تمدن میدانیم مدت
زیادی دوام نخواهد یافت. حتی ما نمیتوانیم تصور نمائیم که
چه اوضاعی بیست سال دیگر بر روی این سیاره خاکی متداول
و حاکم خواهد بود.

احکام حضرت بهاء الله مطابق احتیاجات بشر صرف نظر از
مقتضیات و پیش آمدها که انسانها خود را با آنها مواجه می بینند
تدارک و مقرر گردیده. بعلاوه فرائض و احکام آن جهت دلالت و
هدایت نوع انسان که در مراحل مختلف به بسط و پیشرفت

۳۳- ۳۳۲ گلچین آثار مبارکه حضرت بهاء الله.

اخلاق و فرهنگ غیرقابل ادراکی در وقت حاضر میباشد عز نزول یافته است . یا لَمَّالِ قَوَانینِ و احکام شریعت مقدس حضرت بهاء الله نوعاً و نتیجتاً انعطاف پذیر بوده و جنبه تکاملی دارد عالم انسانی بواسطه آنها تدریجاً عادات و رسوم قدیمه سخیفه خود را ترک نموده و بسوی هم وطنی عمومی و تابعیت جهانی رهنمون خواهد گشت . این اصل تکامل طبیعت و خاصیت کلی ظهور الهی بوده و مطابق و موافق لازمه زندگانی انسانی است .

حکم الله موجب ایجاد نظم میگردد زیرا وجدان انسان را تربیت مینماید و آنرا خلقی بدیع میسازد . وجدان بمثابه خاک، پاکی است که در آن آنچه که تمدن و تربیت یافته ریشه نموده و جایگزین گردیده است . در این مقام حضرت بهاء الله بنفسه - المهیمن علی العالمین میفرماید قوله جل کبریا ؎ : "ملاحظه کن در حین ظهور مظهر کلیه قبل از آنکه آن ذات قدم خود را بشناسانند و به کلمه امریه نطق فرماید عالم بسوده و معلومی با او نبوده و همچنین خالق بوده و مخلوقی با او نه چه که در آن حین قبض روح از کل مایصدق علیه اسم شیئی میشود و این است آن یومی که میفرماید: " لمن الملك الیوم و نیست احدی مجیب . " (۳۴)

۳۴- صفحه ۱۵۱ گلچین الواح مبارکه حضرت بهاء الله و صفحه ۷۲ اقتدارات

نظم اداری حضرت بهاء الله

احکام منزله از سماء مشیت رحمانیه بطور مطلق و مجرد نبوده و من البدوالی الختم مشروحا "بقلم اعلاى شارع مقدس این دورا عظم تنظیم و تدوین گشته . حضرت ولی امرالله در این خصوص میفرماید: "علاوه بر احکام و قواعد و حدود و فرائض که تشکیلات نظم بدیع جهانی حضرت بهاء الله بر آن قائم و استوار است این سفر قویم و وظیفه مقدسه تبیین، همچنین مؤسسات ضروریه ای را که حافظ وحدت و سعادت و جامعیت امر الهی است بصراحت بیان تعیین و تنصیص مینماید." (۳۵)

حضرت عبدالبهاء جل ثنائہ در سنوات اخیر حیات مبارک به احباء طائف حول که تعلق شدید به خود هیکل اطهر داشتند مکرر فرمودند "اگر میدانستید بعد از من چه واقع خواهد شد، مطمئناً شما دعا میکردید که در صعودم تعجیل گردد." (۳۶ - ترجمه)

چنانچه حال معلوم و محقق گردیده این قرائن و اشارات

۳۵ - صفحه ۲۱۴-۲۱۳ گا دپا سزبای و صفحات ۳۸۴-۳۸۵ قسمت دوم

قرن بدیع .

۳۶- صفحه ۱۵ نظامات بهائی .

وتلویحات اشاره به نظم جهانی حضرت بهاء الله بود که با تعیین و تنصیح حضرت عبدالبهاء غصن اعظم و مرکز عهد و میثاق اتم جلوه جمال و کمال عالیّه خاصه اصول و دعائم و استقرار این نظم افخم به یقین مبین تعیین گشته بود. در کتاب مستطاب اقدس و سایر الواح مبارکه حضرت بهاء الله مؤسّساتی را که مستلزم حفظ و هدایت این نظم اعظم امتن اتقن میباشند وضع فرمودند. حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا طبق اختیاراتی که جمال اقدس ابهی بآن مرکز عهد و فی تفویض و اعطاء فرموده بودند، در آثار منیعّه خویش اصول تعالیم این آئین مبین را تصریح و تشریح نموده و در بعضی از موارد احکام و قواعدش را برای تشکیلات اجتماعی سیاره خاکی ما مهیّا و تأسیسات بهیّه اولیه نظم ابداع اگر مش را تکمیل فرمودند.

اولین بار حضرت نقطه اولی عز اسمہ الاعلی در کتاب مستطاب بیان فارسی که در بدو نشأه امر حضرت رحمن در سجن آذربایجان نازل شده بظهور این نظم ابداع اسنی بشارت فرموده اند قوله تعالی و تقدس: "طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله و یشکر ربّه فانّه ینظرو لامرّه له من عند الله فی البیان." (۳۷)

حضرت بهاء الله جل ذکره الابهی در آثار مبارکه متعدده ای باین نظم افخم اشاره فرموده اند که اعم و اقوم آن در کتاب مستطاب اقدس میباشد، قوله عز کبریائه:

"قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شیبه." (۳۸)

اصول و احکام این نظم امنع الهی، که جمال اقدس ابهی در کتاب اقدس که مرجع اهل عالم است نازل فرموده و طلعت

۳۷- صفحات ۱۴۷-۱۴۶ نظم بدیع جهانی حضرت بهاء الله.

۳۸- صفحه ۱۳۶ گلچین آثار مبارکه.

میثاق مهندس و طراح این نظم یزدانی، کیفیت تأسیس رادر الواح مقدسه و صایا تبیین وارکان وقوایم آنرا تعیین فرموده‌اند، اساس نظم اداری امرالله را تشکیل می‌دهند.

حضرت ولی محبوب امرالله این نظم افخم را بمنزله "حصن حصین" که چون صدف گوهر امرالله را حفظ و صیانت مینماید و درون آن نظم بدیع جهانی به آرامی بسط و تکامل مییابد تشریح فرموده‌اند. در عین حال آن مولای متعال نظم اداری را بمنزله "اساس" و "مبانی اولیه آنگونه از نظم جهانی که کیفیت عالیّه کامله اش ماورای استعداد درک عصر حاضر است، توضیح و تبیین می‌فرمایند. در حقیقت باید گفت ضمن اینکه نظم اداری جهت حمایت و صیانت نظم جهانی در مستقبل ایام طرح و تنظیم گردیده، از آن نظم امنع آینده هم جدا نیست. اگر بهتر بگوئیم تشکیلات و نظامات نظم اداری بمنزله قشودانه یا صدف و گوهر بر صفحه غیر است. (چه که بوسیله نظم اداری که چون جسم و هیكل زیبایی است روح نباض مبادی سامیه روحانی در آن متجلی و عالم انسانی را نورانی مینماید - م).

دومؤسسه ولایت امرالله و بیت العدل اعظم اعمده وارکان اصلیّه نظم اداری و تشکیلات بهائی میباشد. گرچه ایسند و مؤسسه بهیه بوظائف مختلفه روحانیّه عاملند لیکن مآرب و مقاصد خیمه آنها مرتبط و مشترک و از هم مجزا نیست بلکه مکمل یکدیگر میباشند و طبق سلطه و اختیاراتی که مرکز عهد و میثاق الهی به آنها تفویض فرموده عمل میکنند و مرجع و ملاذجامه پیروان اسم اعظم و حلال مشکلات روحانی و اقتصادی و اداری اهل عالم در طول تاریخ و تحت هدایت و صیانت جمال

اقدس ابھی میباشند. حضرت عبدالبہاء درالواح مبارکہ وصایا راجع بہ ولایت امراللہ و بیت العدل اعظم دورکن محکم کہ نظم الہی برروی آنها استوارگردیدہ میفرمایند، قولہ عزبیانہ: "... فرع مقدس و ولی امراللہ و بیت عدل عمومی کہ بہ انتخاب عمومی تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابھی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلیٰ روحی لهما الفداء است آنچه قرار دہند من عنداللہ است. من خالفہ و خالفہم فقد خالف اللہ و من عصاہم فقد عصی اللہ..." (۳۹)

"زنہار زنہار مثل بعد از صعود (حضرت بہاء اللہ) نشود کہ مرکز نقض ابا و استکبار کرد ولی بہانہ توحید جعلی نمود و خود را محروم و نفوس را مشوش و مسموم نمود البتہ ہر مغرور کہ ارادہ فساد و تفریق نماید صراحہ نمیگوید کہ من غرض دارم بوسائلی چند و بہانہ ای چون زرمغشوش تشبث نماید و سبب تفریق جمع اہل بہاء گردد... " این کلمات را مبادا کسی تأویل نماید و مانند بعد از صعود ہر ناقض ناکثی بہانہئی کند و علم مخالفت برافرازد و خود رائی کند و باب اجتہاد بازنماید، نفسی راحق رأئی و اعتمادمخصوصی نہ باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداہما کل مخالف فی ضلال مبین و علیکم البہاء الابیہی عبدالبہاء عباس." (۴۰)

حضرت ولی امراللہ در خصوص وظائف خطیرہ این دورکن رکن نظم اداری امراللہ باین بیانات عالیات ناطق، قولہ الجمیل:

"دربدوا مرباید بنہایت وضوح و صراحت با بیانی بدون ابہام مذکور، گردد کہ این دو مؤسسہ بہیہ نظم اداری حضرت بہاء اللہ

۳۹- صفحات ۴۴۳-۴۴۲ دیانت جهانی بہائی

۴۰- صفحہ ۴۴۹ دیانت جهانی بہائی.

اساس من عندالله است ووظائفش خطیر و ضروری و مـآرب
 و مقاصدشان مکمل یکدیگر، هدف مشترک و اساسی دو مؤسسه
 فخریمه آنست که پیوسته سلطه و اختیاراتی را که من جانب الله
 تعیین گردیده و از نفس مظهر ظهور سرچشمه گرفته است مصون و
 مستمر سازد و وحدت پیروان آئین مبینش را محفوظ دارد، و اصالت
 و جامعیت تعالیم مبارکه اش را صیانت نماید، و بمقتضای زمان
 قوانین غیر منصوصه را تشریح نماید، و چون این دو مؤسسه
 لاینفصم متفقاً با اجرای وظائف مبارک درت نمایند جمهوری مورتمشیت
 پذیرد و مجهودات جمیله جامعه مرتبط گردد و مصالح عالییه
 امرالله ترویج نماید و قوانینش تنفیذ شود و تشکیلات تابعه اش
 حمایت کردد، هر یک منفرداً در حدود اختیارات مصرحه معینیه
 وظائف خویش را انجام میدهد و دارای تشکیلات فرعیه ایست که
 برای اجرای مسئولیتهای مخصوصه و تکالیف مؤثرو شایسته آن
 مقرر گشته است و نیز قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات خود را
 در حدود مشخصه اعمال مینماید و قدرت و اختیارات و حقوق و
 امتیازات این دو مؤسسه هیچیک با یکدیگر متناقض نمیشد و
 بهیچوجه از مقام و موقعیتی که هر یک حائز است نمیکاهد و گذشته
 از اینکه غیر متجانس و هادم اساس هم نیستند اختیارات
 و وظائفشان مکمل یکدیگر است و اساساً در مقاصد و نوا یا همواره
 متحدند." (۴۱)

مقام ولایت امرالله

مؤسس فخریه ولایت امرالله که از قبل در کتاب مستطاب اقدس مذکور گشته در الواح مبارکه وصایا توسط حضرت عبدالبهاء رسماً تعیین گردیده است. در این لوح امنع اعلی که بخط وامضای مبارک مرقوم و مختوم میباشد حضرت مولی الوری حفید مجید ارشد خود حضرت شوقی ربانی را ولی امرالله تنصیح و تعیین نموده و اختیار تبیین آثار مبارکه بهائی و آیات الهی را منحصرأ به آنحضرت تفویض فرموده اند، قوله الجلیل:

"بعدا ز مفقودی این مظلوم بایدا غصان وافنان سدره مبارکه و ایادی امرالله واحبای جمال ابهی توجه به فرع دو سدره که از دو شجره مقدسه مبارکه انبات شده و از اقتران دو فرع دوحه رحمانیه بوجود آمده یعنی شوقی افندی نمایند زیرا آیه الله و غصن ممتاز ولی امرالله و مرجع جمیع غصان وافنان و ایادی امرالله واحباء الله است و مبین آیات الله..." (۴۲)

۴۲- صفحه ۴۴۲ دیانت جهانی بهائی.

" حصن متین امرالله باطاعت من هو ولی امرالله محفوظ و
مصون ماندواعضای بیت عدل و جمیع اغصان و افتنان و اییادی
امرالله بایدکمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجه و خضوع و
خشوع را به ولی امرالله داشته باشند. من خالفه فقد
خالف الله ... " (۴۳)

۴۲- صفحه ۴۴۲ دیانت جهانی بهائی.

بیت العدل اعظم الهی

حضرت بهاء الله جلت قدرته بنفسه المقدس بیت العدل اعظم را ابداع و انشاء فرمودند و فرمان تأسیس آن از قلم اعلی در سجن عکا نازل گردید. اختیاراتی که باین مؤسسه عظیم الشأن اعطاء و تفویض گشته صراحت تام دارد. نام مبارک این هیئت مجلله نورا را جمال اقدس ابهی تعیین و اعضاء آن را بعنوان "رجال عدل" و "وکلاء الله" و "امناء الرحمن" تسمیه فرمودند و وظائف مخصوصه متنوعه این مشروع عظیم در کتاب اقدس والواح مقدسه عدیده از قلم شارع قدیر تصریح و تشریح گردیده است. راجع بامور مخصوصه منصوبه رجال بیت العدل، قلم اعلی در کتاب مستطاب اقدس باین بیان احلی ناطق قوله الاحلی:

"وینبغی لهم ان یكونوا امناء الرحمن بین الامکان ووکلاء الله لمن علی الارض کلها ویشاوروا فی مصالح العباد لوجه الله کما یشاورون فی امورهم ویختاروا ما هو المختار کذلک حکم ربکم العزیز العفار." (۴۴)

۴۴- صفحه ۲۰۰ دیانت جهانی بهائی

بیت العدل اعظم الهی مصدر تشریح قوانین واحکام غیر
منصوصه که در نصوص الهی موجود نیست نیز می باشد .

حضرت بهاء الله در ورق هشتم از فردوس اعلی میفرماید
قوله الاحلی:

" آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید
امناى بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجری دارند
انه یلهمم ما یشاء وهو المدبر العلیم . " (۴۵)

حضرت عبدالبهاء میفرماید بیت العدل حق و اختیار نسخ
یا تفویض قوانین واحکامی را که خود و یا هر یک از بیوت عدل سابق
تضمین نموده اند طبق مقتضیات زمان نیز دارا میباشند ،
قوله المهیمن:

" چون بیت عدل واضح قوانین منصوصه از معاملات است

ناسخ آن نیز تواند بود زیرا نص صریح الهی نیست " (۴۶)

همچنین حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا بیت
العدل عمومی را " مصدر کل خیر و موصونا من کل خطا میدانند و
اهمیت سلطه و اختیارات آنرا مشروحاً بیان میفرماید قوله -
العزیز:

" مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به

بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا با کثرت آراء

تحقق یابد همان حق و مراد الله است ، من تجاوز عنه فهو ممن

احب الشقاق و اظهر النفاق و اعرض عن رب الميثاق . " (۴۷)

۴۵ و ۴۶ صفحه ۱۴۹ نظم جهانی بهائی .

۴۷ - صفحه ۴۴۷ دیانت جهانی بهائی .

ارتباط بین دو مؤسسه عظیم ولایت امرالله و بیت العدل اعظم

با صعود مولای و دود و محبوب قلوب اهل بهاء حضرت شوقی ربانی در ۴ نوامبر ۱۹۵۷ (مطابق ۱۳ آبان ۱۳۳۶ هجری شمسی) وضعی کاملاً غیر مترقبه که جامعه بهائی قادر به پیش بینی آن نبود بوجود آمد. بیت العدل اعظم اهمیت این موقعیت را چنین بیان میفرمایند:

" در زمان صعود مولای محبوب ما حضرت شوقی ربانی با توجه به اوضاع و احوال و بموجب شرایط لازمه مصرحه در نصوص مقدسه الهیه محقق گشت که طبق مقررات منصوصه در الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء میسر نبوده تا هیکل اطهر برای خود وصی تعیین فرمایند. این وضعیت که حضرت ولی عزیز امرالله بدون اینکه قادر به تعیین وصی باشند بملکوت ابهی صعود فرمودند موجب مسئله معضله مبهمه ای گشت که در نصوص مقدسه و الواح مبارکه بالصراحه ذکری از آن نشده بود و

ل. ذ. این مسئله مهم به بیست
العدل اعظم ارجاع میگشت و بایستی آن هیئت مجله این مشکل
را حل و فصل فرمایند. (۴۸)

بیت العدل اعظم در دستخط منیع مورخ ۶ اکتبر ۱۹۶۳ خطاب
به محافل روحانیه ملیه عالم بهائی مرقوم فرموده اند:
"یاران محبوب این هیئت متن قرارذیل را با اطلاع آن امانه
رحمان میرساند، بیت العدل اعظم متوجهاً مبتهلاً بعد از غورو
تمعن دقیق در نصوص مقدسه مبارکه راجع به تعیین وصی حضرت
شوقی ربانی ولی امرالله و بعد از مشاورات مفصل و همچنین
ملاحظه آراء حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس بایست
نتیجه رسیده که طریق تعیین ولی ثانی امر بهائی وصی حضرت
شوقی ربانی بکلی مسدود و امکان تشریح قوانین که تعیین من
هو بعدد را میسر میسازد بامر مهفقود است. این قرار را به جمع
یاران ابلاغ نمایند. (همچنین در پیام عمومی مورخ اکتبر ۱۹۶۳
میفرمایند: "بیت العدل اعظم پس از مشاورات دقیقه چنانکه
قبلاً بیاران ابلاغ کردید باین نتیجه رسیده که طریق تشریح
قوانین جهت انتخاب ولی ثانی امر بهائی و وصی حضرت شوقی
ربانی ولی امرالله بامر مهفقود است." - م)

علیهذا طبق تعالیم مبارکه در آثار مقدسه و بیانات عدیده
رشیقہ حضرت ولی محبوب امرالله راجع به چگونگی انتخاب
بیت العدل عمومی این مؤسسه فخریه در میقات معینه انتخاب
گردید و مسئولیتهای مهمه و وظائف خطیره خود را برای هدایت

سكان امرالله بعهدہ گرفت . حضرت ولی عزیز امرالله در خصوص
اتصال و وحدت بین این دو مؤسسہ بھیمہ در توفیق منیع مارس
۱۹۳۰ بلسان انگلیسی بیانی باین مضمون فرمودہ اند قولہ -
الاکرم :

" حضرت بھاء اللہ و حضرت عبدالبھاء بکمال صراحت و
تأکید و مؤسسہ بیت العدل اعظم و ولایت امرالله را اوصیاء
برگزیدہ و منصوص خویش معین فرمودند تا متفقاً بر تنفیذ اصول و
ترویج قوانین و صیانت مؤسسات امریہ مبادرت نمایند و بکمال
وفا و ہوشیاری امرالله را با حوائج جامعہ لامعہ مترقی انسانی
تطبیق بخشند و میراث لاعدل مرغوبی را کہ مؤسین این شرع
مبین بجهان عطا فرمودہ اند بشمر رسانند . " (ترجمہ ۴۹)

حضرت ولی محبوب امرالله نیز میفرماید ہیچیک از این دو
مؤسسہ بھیمہ در صدمہ داخلہ و تزییف سلطہ و اختیارات مخصوصہ
مسلمہ دیگری کہ از طرف خداوند عنایت گشتہ بر نخواہد آمد ،
قولہ العزیز " همچنین ہر یک از مؤمنین باید بالصراحہ و بیقین
بدانند کہ مؤسسہ ولایت الہیہ تحت ہیچ شرایطی سلطتہ و
اختیاراتی را کہ از طرف حضرت بھاء اللہ در کتاب مستطابا قدس
بہ بیت العدل عمومی عنایت گشتہ و حضرت عبدالبھاء در الواح
مبارکہ وصایا مکررا ابرام و رسماً تأیید فرمودہ اند ، ملغی
نمی نماید و یا حتی از مقام و اہمیت و یا ہیچ جزئی از آنها را
نمیکاہد بھیچوجہ وظائف و تصمیمات این دورکن رکن مباین

آثار مبارکه حضرت بهاء الله و کتاب عهدی نبوده و یا موجب
القاء هیچیک از او امر منزله ازیراعه مالک بریه نمیباشد.
(۵۰ - ترجمه)

"از این بیانات مسلم و مبرهن و محقق میگردد که ولی
امرالله مبین آیات است و وضع قوانین و احکام در موارد غیر
منصوصه در تعالیم مبارکه از وظائف مخصوصه بیت العدل اعظم
است. همان قسم که ولی امرالله مبین احکام منصوصه و مؤید
هیئت تشریعیه است و نسبت بوظائف خاص خود دارای سلطه و
اختیارات مطلقه میباشد بیت العدل اعظم نیز در تشریع و اعلان
قوانین و احکام غیر منصوصه در آثار مبارکه حضرت بهاء الله و
تشریح و قضاوت نهائی آنها دارای حق مخصوص منصوص و اختیارات
تام میباشد. هیچیک از این دو معهد قوی الارکان نمیتواند و نباید
بحدود اختیارات مقدسه منصوصه دیگری تجاوز نماید و هیچکدام
در صدد تزییف سلطه و اختیارات مخصوصه مسلمه دیگری که از طرف
خداوند به آنها تفویض گردیده بر نخواهد آمد:

"هر چند ولی امرالله رئیس دائمی و ولاینعزل این هیئت
مجلله مفخمه است مع هذا هرگز نمیتواند حتی بطور موقت و اضاع
قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت امناء این هیئت
نورار املغی نماید." (۵۱ - ترجمه)

۵۰- صفحه ۸ نظم جهانی حضرت بهاء الله .

۵۱- صفحات ۱۴۹ و ۱۵۰ دیانت جهانی حضرت بهاء الله .

بیت العدل اعظم به بعضی مفاهیم این بیانات که مربوط
 بمرحله کنونی توسعه امرالله است اشاره فرموده اند:

"... حضرت شوقی ربانی مکرراً تأکید فرموده اند که این دو
 مؤسسه عظیمه (ولایت الهیه که مصدر تبیین و بیت العدل اعظم
 که مصدر تشریح است - م) لاینفصم میباشند. در حالیکه همکاری
 و تشریک مساعی این دو رکن رکین راهیکل اطهر صریحاً در نظر
 داشته لیکن منطقاً از این موضوع استنباط نمیشود که یکی در
 غیاب دیگری قادر بانجام وظائف اصلیه نیست. در طی ۳۶ سال
 دوران ولایت با جلالت خویش حضرت شوقی ربانی بدون بیت العدل
 عمومی به تمشیت امور جمهور پرداختند. اکنون بایستی بیت -
 العدل اعظم در غیاب وبدون ولی امرالله با اجرای وظائف
 مقدسه مبادرت نماید در حالیکه اصل لایتجزای این دو مؤسسه
 علیا پیوسته باقی و معتبر میباشد، ولایت الهیه بعلت اینک
 ولی امرالله در قید حیات نیست نه اهمیت شامخ و نه مقام و
 منزلت ممتاز خود را بدانگونه که در نظم بدیع حضرت بهاءالله
 مندمج و مصرح است از دست نمیدهد." (۵۲ - ترجمه)

خدمت به امرالله مستلزم وفاداری کامل، صداقت و درستی
 و ایمان راسخ و تزلزل ناپذیر به خداوند قدیر میباشد. هر گاه
 مسئولیت آینده امراللهی را در دست خود بگیریم و برای انجام
 آن نصوص مصرحه و حدودات معینه خویش را نصب العین قرار

ندهیم و بطریقی که مطابق میل ما جریان یابد اهتمام ورزیم نه فقط نمیتوان نتیجه خوب و مطلوب حاصل کرد بلکه موجب ضرر امرالله گشته ایم. جمال اقدس ابهی وعده فرموده که نسور تعالیم متعالیه اش رو بزوال نخواهد گذاشت. وظیفه ما تمسک شدید به آیات منزله از سماء مشیت رحمانیه و اطاعت تامه از مؤسسات منیعهاش میباشد که آن نیز آفاق برای حفظ وصیانست عهد و میثاق خویش ابداع فرموده است. " ۵۲ (ترجمه)

عصمت بیت العدل اعظم الهی

بیت العدل اعظم چگونه عصمت و مصونیت از خطا را که در آثار مبارکه نیر پیمان به آن هیئت مجله نور اعطا گشته بشرح ذیل توضیح میفرمایند:

" عصمت بیت العدل عمومی که در حدود اختیارات معینه وظائف خود را انجام میدهد به حضور و عضویت حضرت ولی امرالله موکول نگردیده است. گرچه در حیطه تبیین آیات تمکین و انقیاد کامل از تصمیمات و اظهارات ولی امرالله پیوسته واجب ضروری است لیکن در مورد شرکت ولی امرالله در مواضیعت تقنینیه همیشه تصمیم بعهده معهدا علی است که باید تنفیذ گردد. حضرت ولی امرالله این مطلب را با این بیانات تأکید فرموده اند قوله الجلیل " همان قسم که ولی امرالله مبین نصوص است و نسبت بوظائف خاص خود دارای سلطه و اختیارات مطلقه میباشد بیت العدل اعظم نیز در وضع و اعلان قوانین و

احکام غیرمنصوصه در آثار مبارکه حضرت بهاء الله و تشریح و قضاوت نهائی آنها دارای حق مخصوص منصوص و اختیارات تمام میباشد. هیچیک از این دو نمیتواند و نمیخواهد به حدود سلطه مقدسه منصوصه دیگری تجاوز نماید و هیچکدام در صد تزیین سلطه و اختیارات مخصوصه مسلمه دیگری که از طرف خداوند به آنها تفویض گردیده بر نخواهد آمد:

"هرچند ولی امر الله رئیس دائمی و ممتاز زولاینعزل ایمن هیئت مجلله مفخمه است، مع هذا هرگز نمیتواند حتی بطور موقت واضع قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت امناء ایمن هیئت نورارا الغاء نماید لیکن موظف است برای تجدید نظر توسط معهدا علی از هرگونه قانونی که مولای توانا و جدانا معتقد است مابین نوایا و دور از روح بیانات مالک بریه و آثار منزلت حضرت بهاء الله است اصرار و الحاح فرماید. ۵۴ (ترجمه)

حضرت ولی امر الله مثل سلف خود حضرت عبدالبهاء جهت هدایت بیت العدل اعظم در سبیل اجراء و ظایف اصلیه آن در توابع مبارکه تعاریف متعدده و تفاسیر مبینه مرقوم و از خود باقی گذارده اند.

بیت العدل اعظم طریقی را که مؤسسه ولایت امر الله را مجاز میسازد تا حتی با وجود اینکه تسلسل و استمرار حیات و لاه امر الله خاتمه یافته به نفوذ خود در تمشیت امور استمرار بخشد خاطر نشان میفرمایند:

"یاران راستان باید بدانند که قبل از وضع قانون در مورد هر مسئله غیرمنصوصه بیت العدل اعظم نصوص مقدسه را توأم با توقیعات مبارکه حضرت شوقی ربانی در خصوص موضوع مربوطه با نهایت دقت و بطور خستگی نا پذیر مورد مطالعه و مذاقه قرار میدهد. تبیینات صادره از قلم مبارک حضرت شوقی ربانی مشتمل بر یک سلسله موضوعات متعدده میباشد و عیناً مثل نصوص نافذ و الزام آور است." ۵۵ (ترجمه)

با توجه به دلالات منبعثه از این تبیین مستدل و متین بیت العدل اعظم به تنهایی دارای سلطه و اختیار تامه جهت اخذ تصمیمات خویش میباشد. حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا میفرمایند، قوله العزیز:

" این مجمع مرجع کل امور است و مؤسس قوانین و احکامی که در نصوص الهی نبودند" ایضا میفرمایند "... و چون بیت عدل واضع قوانین غیرمنصوصه از معاملات است ناسخ آن مسأله نیز تواند بود، یعنی بیت عدل الیوم در مسئلهئی قانونی نهد و معمول گردد ولی بعد از صدسال حال عمومی تغییر کلی حاصل نماید اختلاف زمان حصول یا بدبیت عدل ثانی تواند آن مسئله قانونیه را تبدیل به حسب اقتضای زمان نماید زیرا نص صریح الهی نیست واضع بیت عدل ناسخ نیز بیت عدل. " همچنین میفرمایند "و چون تغییر و تبدیل از خصائص امکان و لزوم ذاتی این جهان است لهذا احکام جزئیه جسمانی باقتضای وقت و حال تعیین و ترتیب

خواهد یافت . اما بیت العدل حاکمست و شارع احکام میکه درنصوص الهی موجودنه تشریح مینماید ."

"... و همچہ ملاحظہ نشودکہ بیت العدل بفکرورای خویش قرار میدهداستغفرالله بیت العدل بالهام و تأئیدروح القدس قرارواحکام جاری نمایدزیرادر تحت و قایت و حمایت وصیاننت جمالقدم است و آنچه قراردهداتبا عش فرض مسلم و واجب متحتم است ابدأ" مفری از برای نفسی نه "

حضرت عبدالبهاء درالواح مبارکه وصایانیزچنینیـــــ
میفرمایند: "بیت عدل عمومی که بانتخاب عموم تأسیس و تشکیل شوددر تحت حفظ وصیاننت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداء است آنچه قراردهندمن عندالله است (... بیت عدل الذی جعله الله مصدرکل خیر و مصوناً من کل خطاء ... - م)

حضرت عبدالبهاء در یکی ازالواح میفرمایند، قوله - الجلیل: "باری مقصود و حکمت ارجاع احکام مُدنیه به بیت عدل اینست و در شریعت فرقان نیز جمیع احکام منصوص نبوده بلکه عَشْرُ عَشْرٍ مِ عَشْرٍ منصوص نه اگرچه کلیه مسائل مهمه مذکور ولی البتہ یک کرو و احکام غیر مذکور بود بعد به قواعد اصول استنباط نمودند و در آن شرایع اولیه افراد علماء استنباطهای مختلف مینمودند و مجری میشد، حال استنباط راجع به هیئت بیت العدل است و استنباط و استخراج افراد علماء را حکمی نه مگر اینکه در تحت تصدیق بیت العدل درآید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق هیئت بیت عدل که اعضایش منتخب و مسلم عموم ملت است اختلاف حاصل نمیگردد ولی از استنباط افراد

علماء حکماً اختلاف شود و باعث تفریق و تشتت و تبعیض گردد
و وحدت کلمه و اتحاد دین الله مضمحل شود و بنیان شریعت الله
متزلزل گردد. " (۵۶)

بیت العدل اعظم تفاوت بین دو قوه را که یکی اختیار
استنتاج است که مربوط به خود می باشد و دیگری حق تبیین که
تنها مختص حضرت عبدالیهاء و حضرت ولی امر الله بود ذیلاً
تشریح می فرمایند :

" بین تبیین آیات توسط حضرت ولی امر الله و تفسیرات
بیت العدل اعظم در انجام وظائف نسبت به غور و بررسی جمیع
مسائلی که موجد اختلاف گشته و قضیه هائیکه مبهم میباشند و
موضوعاتی که در کتاب الله و "برهان الرحمن فی الارضین و السموات
صریحاً مثبت و مذکور نیست تفاوت فاحشی وجود دارد . ولی
امر الله آنچه را که معنی و مراد کتاب مقدس اقدس است
مکشوف می سازد و تبیین حضرتش بیان حقیقتی لایتغیر است . به
فرموده حضرت ولی محبوب امر الله حق تشریح مسائل غیر
منصوصه که در آثار مبارکه بهائی تنصیص نگشته منحصر ابسه
بیت العدل اعظم الهی اعطاء گردیده است . " (۵۷) (ترجمه)

۵۶ - صفحه ۸۴ و صفحه ۸۶ سرچشمه هدایت کبری .

۵۷ - صفحه ۵۲ سرچشمه هدایت کبری .

نقش ووظائف اصلیه بیت العدل اعظم الهی

بیت العدل اعظم الهی نقش خود را در توسیع دایره امراه ووظائف عظیمه خیره مخصوصه خویش بنحو اختصار طرح و تنظیم فرموده اند:

"بیت عدل عمومی که بفرموده حضرت ولی عزیز امراه آیندگان آنرا "آخرین ملجاء وپناه تمدن متزلزل کنونی" خواهند انگاشت حال در غیاب ولی امراه یگانه مؤسسه ای که مهبط هدایت والهامات الهیه در عالم می باشد مرجع کل است و مسئولیت تأمین وحدت جامعه و ترقی و اعتلاء امراه طبق آیات منزله در آثار مقدسه بعهدده آن هیئت مجله واگذار گردیده است."

بیانات مبارکه ای که از حضرت مولی الوری و حضرت ولی امراه در دست است که تصریح مینماید بیت العدل اعظم علاوه

براینکه عالیترین هیئت تقنینیه شریعت الهیه میباشدا عظم مجمع نیز میباشد که مرجع کل امور است وهمچنین هیئت تشریعیه اکلیل جلیل نظم اداری بهائی واشرف واعلاء رکن تمشیت امور جمهور احباء میباشدکه امور امرالله رادرسراسر عالم هدایت مینماید و تمشیت میدهد و وحدت می بخشد. حضرت ولی محبوسوب امرالله درتواقیع منیعہ خویش وظائف اصلیه بیت العدل اعظم رامثل طرح نقشه های تبلیغی جهانی درآینده و تمشیت امور اداری این آئین مبین و هدایت وتنظیم تشکیلات همچنین وحدت امور امریه رادرسراسر جهان مشخص ومعین فرموده اند. بعلاوه حضرت ولی محبوب امرالله درگادپاسزبای (کتاب قرن بدیع) بیان ذیل رامیفرماید: "در کتاب مستطاب اقدس شارع شریعت رحمانی نه فقط اصول واحکامی که تاروپودنظم بدیع جهان آرایش ومنشور مدنیت آتیه جهانی براین استوارگشته وضع، بلکه علاوه بروظیفه اصلیه تبیین آیات که بوسی خویش منصوص نموده مؤسسات متینه ضروریه نظم امنع اکرمش را که تنها ضامن تأمین سعادت وحفظ وحدت آئین مبین آن حضرت است تنصیص وتصریح فرموده."

آن هیکل ربانی در "کتاب دوربهائی" نیز میفرماید: "... کلمه مبارکه (انه یلهمهم ما یشاء) اطمینان صریح حضرت بهاء الله باین نفوس است و بنا براین فقط این هیئت مهابط هدایت والهامات الهیه اندنه انتخاب کنندگان که رؤسا" ویا غیر مستقیم ایشان را انتخاب مینمایند و این الهام همانا روح حیات و حافظ نهائی این ظهور اعظم است." ۵۸ (ترجمه)

مخالفات با حضرت بهاء الله

بمنظور نتیجه گیری شاید بذل توجه مجدد به بیان مبارک حضرت شوقی ربانی که با این مطلب قابل بررسی آغاز گردیده سودمند باشد، قوله العزیز:

"ظهور حضرت بهاء الله را که رسالت اعلایش تحقق اتحساد صوری و معنوی جمیع عالم است چنانچه مفاهیم آنرا بدرستی درک کرده باشیم باید مبشر طلوع قرن بلوغ جمیع نوع بشر تلقی نمائیم و صرفاً نباید بعنوان تجدید حیات روحانی دیگری در مقدرات دائم التغییر نوع انسان در نظر آورد یا تنها بعنوان مرحله‌ای فراتر در یک سلسله ادوار رسالتهای راجعه و استمراری انگاشت بلکه اولی آنکه آنرا علامت آخرین و اشرف و اعلیٰ مرحله در سبیل تکامل شگفت انگیز زندگانی بالاجتماع انسان در این سیاره خاکی دانست و پیدایش یک جامعه جهانی، خیرت و درایت جهان وطنی، بنانهادن فرهنگ و مدنیت جهانی که جمیع

آنها با یستی مقارن نخستین مراحل اصلیه جلوه عصرذهبی دور بهائی انگاشت . با توجه به ماهیت اصلی کلی آنها تا حدی که باین حیات عنصری و دنیوی ما مربوط است باید بمنزله والاترین حدود در تشکیل جامعه بشری تلقی نمود . هرچند انسان بعنوان یک فرد در اثر رسیدن به چنین ذروه کمال شاید بلکه بایست در حقیقت در سبیل ترقی و تعالی راه خود را بطور نا محدود ادامه دهد . " ۵۹ (ترجمه)

هزاران سال است که بشریت بسوی روز و وحدت عالم انسانی سیرتکاملی داشته جمیع اشکال مختلفه نظام اجتماعی که قبلاً در صفحه غیرابریا گشته مراحل جهت آمادگی برای زمانی بوده که عالم یک وطن و من علی الارض اهل آن گردند . قوه محرکه در این ترقی و تعالی تکاملی طولانی مداخله مکرر خداوند اکبر در تاریخ انسانی نه فقط در طی یک سلسله ظهورات الهیه بوده بلکه در اثر استمرار ادوار رسولی متوالی است که برمیگردد بیه دوران ما و رای ازمنه ایکه نوع بشر بخاطر میآورد .

امروز در ظهور حضرت بهاء الله این سیرتکاملی عظیم باوج کمال خود رسیده لذا لسان عظمت شارع قدیر این ظهور را عزایهی به این بیانات احلی که موجب اعجاب اولی الالباب است ناطق ، قوله جل کبریائه :

"براستی میگویم احدی از اصل این امر آگاه نه " در این

یوم بایدکل با عین الہی ببینند و با اذن رحمانی بشنوند. من
 ينظر بعين غيري لن يعرفني ابدا . مظاہر قبل ہیچیک برکیفیت
 این ظہور بتمامہ آگاہ نہ إلاعلی قدر معلوم. " تالہ الحق
 ان الامر عظیم عظیم ہذہ کلمہ کررناہا فی اکثر اللوح لعل
 یتنبہ بہا العباد یشہد بذلک لسانی العزیز المبین. " امر عظیم
 است و نباء عظیم. " در این ظہور ابدع اقوام ظہورات ماضیہ کل
 بمقصدا علی وغایت قصوای خویش فائز گشتہ اند. " (ترجمہ)
 "قد انتہت الظہورات الی ہذا الظہور الاعظم " آنچه در این
 ظہور منع اعلی ظاہر شدہ در ہیج عصری از اعصار ظاہر نشدہ و
 نخواہد شد. "

"مقصود از آفرینش و ظہور این یوم امنع اقدس کہ در کتب و
 صحف وزیر الہی بہ یوم اللہ معروف است بودہ. " یومی کہ
 انبیاء ومرسلین واصفیاء و اولیاء مقربین کل لقای آنرا
 سائل وآمل. " (ترجمہ)

" آنچه از قلم و لسان ملل اولی از قبل ظاہر فی الحقیقہ
 سلطان آن در این ظہور اعظم از سماء مشیت مالک قدم نازل
 " این رحمت مخصوص این ایام است و این کرم لایق این اوقات
 امروز روزی است کہ بحر رحمت ظاہر است و آفتاب عنایت مشرق و
 سحاب جود مرتفع " "لعمری ان الامر عظیم عظیم والیوم عظیم عظیم"
 "بشکرک نبی بہذا الیوم و نوح کل رسول حباً لہذا الظہور"
 "ظہوری کہ چون از آسمان ارادہ رحمان اشراق نمودہ السن کائنات
 باین بیان منادی گشت الملک للہ العلی العظیم. " (ترجمہ)
 "یوم موعود فرار رسیدہ و آنکہ ظہورش در کتب و صحف الہیہ
 بشارت دادہ شدہ باعلی النداء من فی الارض والسماء را باین

مطاب اعلیٰ مخاطب میسازد لایله الا هو المهیمن القیوم. " (ترجمه)
 "تا الله قدظهر ما كان مخزوناً فی ازل الازال فی علم الله عالم-
 الغیب والشهود. " طوبی از برای چشمی که مشاهده نمود و
 وجهی که بوجه الله رب ماکان وما یکون توجه کرد. " (ترجمه)
 "این یوم یومی است عظیم و در کتب و صحف مقدسه به یوم الله
 مذکور و مسطور و ازین بیان عظمت آن ظاهر و مشهود " "جمع اولیاء"
 در اعصار و قرون ماضیه گریان و سوزان آرزوی آنی از ایام الله
 را مینمودند و در این حسرت ازین عالم فانی بجهان باقی-
 شافتند. " "امروز بایی مفتوح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ
 فضل مقصود عالیمان متوجه کل عمل بسیار جزئی در مرآت علم
 الهی اکبر از جیل مشاهده میشود یک قطره آب اگر در سیلش داده
 شود در آن مرآت دریا مشاهده میشود چه که این یوم یومی است
 که در جمع کتب حق جل جلاله انبیاء و اصفیاء خود را بآن
 بشارت فرموده. " "این ظهور ظهور عظمی است که اگر نفسی یک
 قطره خون در سیلش انفاق نماید هزاران بحر از جزیل و ثواب
 جمیل از ساحت رب جلیل با عنایت خواهد گردید " (ترجمه)
 "یک آن این یوم عند الله افضل است از قرون و اعصار...
 آفتاب و ماه شبه این یوم راندریده. " "هذا یوم فیه یقول
 اللاهوت طوبی لک یا ناسوت بما جعلت مؤطی قدم الله و مقدر
 عرشه العظیم. " "امروز عالم با نوار ظهور منور و جمیع اشیاء
 بذکروشنای و فرح و سرور مشغول در کتب الهی از قبل و بعد بیا داین
 یوم مبارک عیش اعظم برپا طوبی از برای نفسی که فائز و بمقام
 یوم آگاه گشت. " "امروز آفتاب دیگر اشراق نموده و آسمان دیگر
 به ثوابت و سیارات مزین گشته عالم عالم دیگر است و امر

دیگر. " هذایوم لاتعادله القرون اعرفواولاتکونوا منسن - الغافلین. " هذایوم فیه فازت الأذان باصغاء ماسمع الکلیم فی الطور والحبیب فی المعراج والرّوح اذصدالیآله المهیمن القیوم. " یوم یوم الله است و امر امر اوطوبی از برای نفسیکه از عالم گذشت و به مشرق وحی الهی پیوست. " هذاسلطان الایام قذاتی فیه محبوب العالمین وهذالهُوالمقصود فی ازل الازال. " امروز سید روزها و سلطان ایام هاست " خجسته نفسی که از نفحات طیبه این ایام بحیات ابدیه فائز گردید و به ثبات واستقامت بی منتهی بنصرت امر مالک اسماء قیام نمود و چنین نفسی هیکل وجود را بمنزله بصر محسوب " (ترجمه) " این یوم را مثلی نبوده و نیست چه که بمثابه بصر است از برای قرون و اعصار و بمثابه نور است از برای ظلمات ایام. " این یوم غیر ایام است و این امر غیر امور " از ساحت الهی مسئلت نمائید که اعین ناس را از مشاهده آیاتش محروم نسازد و آذان را از استماع صریقلم اعلی منع ننماید. " (ترجمه)

" ایام ایام الله است بیک آن آن قرون و اعصار معادلش نمی نماید. ذره این یوم بمثابه خورشید مشاهده میگردد و قطره اش مانند دریا اگر نفسی یک نفس فی حب الله و لخدمته برآردا و از سید اعمال از قلم اعلی مسطور. " اگر فضا ئل این یوم ذکر شود کل منصع مشاهده شوند الامن شاء ربک " تالله الحق تلک ایام فیها امتحن الله کل النبیین والمرسلین ثم الذین هم کانا خلف سراق العصمه و فسطاط العظمه و خباء العزه. "

" اگر مقام این یوم ظاهر شود آنی از او را بصد هزار جان

طالب وآمل شونداچه رسدبارض و زخارف آن. " خدای واحدشاهد
و گواه امروز روزی است که هر بصری باید مشاهده نماید و هر صاحب
سمعی باصغاء فائز گردد و هر قلب مدرکی بدرک حقیقت نائل آید
و هر لسان ناطقی این نام اعزاق قدس اعلی را بمسامع من فی الارض
والسماء برساند. " ۶۰ (ترجمه)

باتوجه باین بیانات عالیات است که ما میتوانیم تا
اندازه ای بقدر و منزلت عهد و میثاق که نیر آفاق تأسیس
فرموده اند، با اهمیت آن در تاریخ بشری بپریم. همچنین ما
قادریم قدری از تشنجات و اضطراباتی را که ناگزیر و بطوری
اجتناب ناپذیر در امور انسانی واقع میشود درک نمائیم.

نیرپیمان که از مطلع اراده رحمن ساطع و لامع گردیده کلید
وحدت عالم انسانی است و چون بتدریج راتحه طیبه مشکبار و فیض
عنایت مدراش در جمیع اقطار و اشرار کره ارض انتشار یافته
تصور و مفهوم شعار و وحدت عالم انسانی برای عباد من فی البلاد ازهر
طایفه و نژاد تحقق یافته است و چون نفوذ الطاف و مواهبش در
ضمیر منیر اهل عرفان و ایمان به جمال قدس جانان تأثیر و فیر
گذارده، پیدایش حیات بدیعی برای اهل هر مرز و بوم آغاز
گردیده است، این پیمان یزدانی جهانی برای هر نژاد و طبقه
و هر مذهب یا ملتی هیچگونه رادع و مانعی رانمی پذیرد. مرکز
میثاق با کمال الحاح و اصرار خواستار آنست که جمیع اینگونه
تعلقات طبقاتی و وفاداری بعقاید و رسوم و هوئیات و احوالات
مختلفه کوچکتر تابع حقیقت ممتازه بزرگتری که وحدت عالم

انسانی است گردد. این وحدت با طرقي که حیات روزانه را از نو بنا مینماید، بصیرت و درایت را سرشتی جدید می بخشد و روابط اجتماعی انسانی را با اسلوبی بدیع تنظیم مینماید که موجب عزت و سعادت جمیع نفوسی میشود که در ظل خیمه یکرنگ وحدت عالم انسانی مستظل میگرددند.

"شهادت میدهم باینکه اول کلمه‌ای که به اراده و مشیت توازفم اظهارش جاری گشت جمیع مخلوقات منقلب و منفصل گردید، جمیع آنچه در آسمانها و روی زمین است تا اعماق وجود بحرکت و جوش درآمد. سپس در اثر آن کلمه مبارکه علیاحقایق اشیاء به لرزه درآمد و منقسم و متفرق گشت باز بهم درآمد و مجدداً متشکل و متحد ساخت در عالم ممکنات و در ملکوت الهی موجودات را به خلعت خلقت بدیع ظاهر و متجلی ساخت." ۶۱ (ترجمه)

این عمل مهیمن و روش متقن مقاومت ناپذیر توسعه و تحکیم مشروعات جلیله جمال اقدس ابهی در سراسر صفحه غیر است که مخالفت اعداء را برمی‌انگیزد. نفوسی هستند که اعمال و اقتدارات آن جمال مختار را تهدیدی برای اعتقادات و تبعیت نسبت بعقاید و رسوم کنونی و مؤسسات و احوالات شخصیه متداوله و جاه طلبی خویش می‌نگارند در صورتیکه اکثر این بیم‌وهراس‌ها بیجا بوده اساس بیخبری و نادانی از مقصد ارجمند حضرت بهاء‌الله است. بعضی دیگر که کاملاً اهل واقع و حقیقتند لاقلاً یک احساس مبهم از تحولات انقلابی در امور انسانی دارند و معتقدند یک چنین تغییرات و تبدیلات از خصائص ذاتی عالم امکان

است باز برای مقابله با آن قیام مینمایند. در هر صورت هر دو نوع خوف و بیم موجب ایجا دو تقویت مخالفت مصرانه گردیده که از بد و ظهور رسالت طلعت اعلی این شریعت سمحاء با آن مواجه بوده است. با نظریه گذشته محقق است که اینگونه هراسها نیز منوط بقوت تحکیم آمیز امرالله همچنین منادیان فتح و ظفر نهائی این شریعت اعزاز کبر رحمانی است. چنین اصل مسلم را که اساس تنفیذ ارادة الله برای بهبود امور انسانی است به میزانی کمتر در تاریخ هریک از ظهورات قبل الهیه میتوان مشاهده نمود.

بیت العدل اعظم توصیه میفرمایند زمان آن فرارسیده که جامعه بهائی این اصل را که ملتر مورد مطالعه و مذاقه قرار داده و مفهوم آن را بهتر درک نماید. علیهذا معهد اعلی با در نظر گرفتن این منظور برای هریک از محافل ملیه مجموعه ای از منتخبات آثار مبارکه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله را ارسال فرموده اند که منتخباتی از آن ذیلاً درج می گردد:

از بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

جمال اقدس ایهی میفرمایند، قوله الاعلی: "قل یا حزب الله ایاکم ان تخوفکم قدره العالم او تضعفکم قوة الامم او تمنعکم ضواء اهل الجدل او تحزنکم مظاهرا لجلال کونوا کالجبال فی امریکم المقتدر العزیز المختار." (۶۲)

"هنگامیکه اعلام فتح و ظفر این ظهورا منع اقدس انور مرتفع میگردد هر یک از عباد خود را مقدر ایمان بجمال قدس جانان دانسته درالتجاء بدین مبین خداوند جلیل تسریع و تعجیل خواهند نمود. طوبی از برای نفوسیکه درایامیکه امتحانات الهیه عالم را احاطه نموده بر امرالله ثابت و مستقیم بوده و از اعتراف به حقیقت ساطعه امر اعزاعلیش امتناع ننمودند." ۶۲ (ترجمه)

از بیانات مبارکه حضرت عبدالیهاء

حضرت عبدالیهاء میفرمایند، قوله تبارک ذکره:
 "صیت امرالله یوما فیوما" تزاید یافته و عظمت آن اکنون آشکار گشته است. عنقریب روزی فرا خواهد رسید که قلوب و افئده عباد از هیجان عظیم به تلاطم آید. علیهذا ای اهل آمریکا شادی نمائید با شور و نشور و سرور موفور شادی نمائید. "۶۴ (ترجمه)
 ایضا میفرمایند:

"امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمه جمیع ملل و امم شدید است شدید عنقریب قبائل افریک و آمریکا و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هند و امت چین از دور و نزدیک بلند شود و کل بجمیع قوی به مقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی بتائیدی از ملکوت الهی بقوت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان (جند هنالک مهزوم من الاحزاب) را ثابت و آشکار کنند." ۶۵

-
- ۶۳ - صفحه ۳۱۹ گلچین الواح مبارکه .
 ۶۴ - صفحه ۷۹ نظم جهانی حضرت بهاء الله .
 ۶۵ - صفحه ۱۷ نظم جهانی حضرت بهاء الله .

با میفرمایند:

"... جم غفیری از ناس در مقابل شما به مقاومت قیام خواهند نمود، ضرب و شتم و ظلم و ستم روا خواهند داشت، به تحقیر و اهانتهای واستهزاء خواهند پرداخت، از اجتماعات و معاشرت با احباب اجتناب خواهند کرد و سخریه و شامت بسیار نثار شما خواهند نمود. باری پدر آسمانی ضمیر منیر شما را بحدی مستبشر میسازد که بمنابۀ اشعه ساطعه شمس سحاب مظلمه ظنون و اوهام را متشتت و پراکنده میسازد و در ببحبوحه بهشت با کمال شکوه و جلال و انوار بسیار بدرخشید و روی زمین را تا بان و درخشان نمایند... " ۶۶ (ترجمه)

از بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله

حضرت ولی امرالله میفرمایند، قوله الاستی: " الیوم قوای رؤسای ادیان با جمعهم متوجه تشتت انجمن رحمن و تفریق و تخریب بنیان حضرت یزدان است و جنود مادی و ادبی و سیاسی جهان از هر جهت مهاجم چه که امر عظیم است و عظمت امر در انظار واضح و لائح."

ایضا میفرمایند: " آیا میتوان تصور نمود ظهور چنین انقلاب عظیم که ارکان اجتماع و مذهب و دعائم اقتصاد و سیاست را در سراسر جهان متزلزل نموده و انظمه سیاسی و اصول جنسی و شئون اجتماعی و موازین ادبی و علائق دینی و مناسبات تجاری را مضطرب و منقلب ساخته با وجود حدت و بیطش و صولت و سطوت و دهشتی که نظیر آن در قرون و اعصار سالفه مشاهده نشده عکس العملی

نسبت به مؤسسات و مشروعات امرنوزاد الهی که تعالیمش تأثیر مستقیم و حیاتی در هر یک از حدود و ضوابط مذکوره داشته و دارد ظاهر نخواهد ساخت و مؤسسات و مشروعات مذکوره از آفات و گزند آن محفوظ و از اثرات و عواقبش مصون و محروس باقی خواهد ماند؛ بنابراین جای شگفتی نیست اگر نفوسی که لوای چنین امر عظیم و سریع‌التقدم رحمانی را برافراشته و اهل عالم را باستظلال در ظل ظلیل آن دعوت نمایند معرض فشار و تأثیر قوای مدهشه‌مرعبه که جهان بشریت را متزعزع نموده قرار گیرند و خود را در گرداب اغراض و اهواء سیئه عصبه غرور مستغرق و محصور مشاهده کنند چندانکه حریت و آزادی‌شان محدود و اصول و مبادی‌شان مورد و تأسیسات و معاهدشان مطرود و اهداف و مآربشان مذموم و حقوق و اختیاراتشان مسلوب و اذکار و دعاییشان غیر معتبر و مظنون قلمداد گردد. " ۶۷ (ترجمه)

"حملاتی که دول و ملل و نحل از هر نژاد و طبقه‌ای از روی حقد و حسد بخاطر ترفیع صیت امرالله و بیم از قوت و اقتدار تحکیم آمیزش دارند، شدید و مدهش و متعدد و متنوع خواهد بود، به حدیکه مهاجمین پرکین در صد ساکت کردن آوازه اشتها را و اعتبار و تخریب تدریجی شالوده و اساس امر کردگار بر خواهند آمد مع هذا در زمان حاضر با وجود ظلمات نسبی که آنرا احاطه ساخته متأثر نگشته و از قوائیکه در جهت مخالفت با آن درآینده صف آرائی خواهند کرد بیم و پروائی ندارد. این عیاطمینان کامل دارد صرف نظر از اینکه هر قدر هم رنجها و عذابهای این عصر دردناک و

محنت آمیز و مصیبت بار باشد این شریعه مقدسه ربانیه بدون اینکه از طریق تقدم خود منحرف گردد و آراش و سکوت آن مظلوم و درهم شود و تصمیماتش بی بهره گردد و عقاید را سخته محکمه‌هاش متزلزل شود و سرنوشت روحانی سعادت بار و پر جلال خود را تعقیب و دنبال خواهد کرد. " ۶۸ (ترجمه)

"هرحالی صمیمی و پرچمدار واقعی امر مبارک حضرت بهاء الله درک مینماید ضمن سیرا ضحلال و جریان زوال اصول جامعه کنونی که به جلو میرود سیل جارف طوفانهای که این دین مبیین متنازع الهی الزاماً باید با آنها مواجه گردد به مراتب شدیدتر و مواجس سهمگین تر از آنچه در ایام ماضیه واقع گشته میباشد همچنین باید آگاه بود بزودی همینکه از جمیع اقدامات و مجهودات جهت تقدم دعوی مهیمن و اعظم شریعت افخم جمال قدم نفوسی که در اشرحرت زمان به صحت عقیدت و حصن حصین قوی- الارکان امر جمال جانان بتدریج آشنا و رسماً از آن اطلاع حاصل مینمایند، همان نفوسی که مقاصد و مآرب پنهانی احتیاط آمیزشان حفظ روش اختناق آمیز آنها بر افکار و وجدانیات ناس میباشد، در آن موقع این شریعت تازه و نوظهور رب غیور باخیل اعدائی قوی و تر و خائن تر از ظالمترین شکنجه دهندگان و عصبه متعصب ترین روحانیون که در گذشته ایام امر حضرت رب الانام را به محنت و مصیبت بسیار دچار نموده اند بایستی مبارزه نماید. چه بسی دشمنانی که طی تشنجاتی که یک تمدن رو بزوال

را در بر میگیرد بوجود بنخواهند آمد، اعدائیکه موجب تشدیدها نانات
معتنابهی میباشند که تا حال اهل ضلال برا مرغنی متعال وارد
ساخته اند. " ۶۹ (ترجمه)

"امرقابل ملاحظه دیگر که طی ادوار مذکوره بنحو وضوح
مشهود میگردد توسعه و تدرجی است که در نحوه مخالفت اعداء حاصل
شده، مخالفتی که اکنون در راه طلوع نظم جهان آراء الهی در
خطه غرب و تماس و اصطکاک با مؤسسات مدنی و مذهبی عالم مسیحیت
ممکن است مورد تاثیر و پوشش تیبانی دول و مللی واقع گردد که در
سلک قدیمیترین و ریشه دارترین مقامات روحانی آن دین است
منسلک میباشند و همچنین ملاحظه میشود که بعضی از جوامع امریه
با وجود عنا دو خصومت دائم التزاید دشمنان و با تحمل مصائب و آلام
بیکران و محن و شدائد فراوان مراحل مجهولیت و مقهوریت و
انفصال و استقلال را که خود معهد سبیل برای حصول رسمیت آئین
الهی و تأسیس جامعه جهانی بهائی در قرون و اعصار آتیه خواهد
بود طی نموده و به مدارج ترقی و اعتلاء واصل شده اند. " ۷۰
(ترجمه)

"به لحاظ ضرورت تأمین و تضمین توسعه این شریعت مقدسه
ربانیه در قبال مخالفتی که اعداء نهانی و بالقوه آن چه
روحانیون کلیسائی و قدیمی چه نوعی دیگر از هر سوا بر او خواهند
داشت بدون اینکه هیچگونه فرصتی فراموش و از دست برود بایند

۶۹ - صفحه ۱۷ نظم بدیع جهانی.

۷۰ - صفحه ۱۷ گادپا سزبای (قرن بدیع)

بالسان لین و شفقت انگیز و غیر تحریک آمیز مقاصد و مآرب امر اعز
اقدس ابھی را توجیہ کرد، مدافع مناقع آن گردید، عمومیت و
جامعیت این دیانت جهانی را اعلام داشت و اقرار و اعتراف نمود
کیفیات مؤسسات بھیه بدیعہ اش فوق العادہ عالی و ما فوق ملی
بل بین المللی و غیر سیاسی می باشد همچنین مقرر است کہ جمیع
شرایع ما قبل آن اساسان آسمانی والہی است. " ۷۱ (ترجمہ)
" در این مقام باید متذکر بود کہ ہر چند این امر نوزاد الہی
در عقود و عہود آتیہ دچار شدائد و مصائب عظیمہ گرد و دو ہر مقدار بر
خطرات و انقلابات ہائلہ در مرحلہ بعدی بتکامل جهانی امر اللہ
بیفزاید و حملات و مهاجمات اعداء از ہر ناحیہ و جهت علیہ آئین
نازنین تشدید پذیرد و امواج سہمگین مخالفت از ہر طرف سفینہ
نجات را احاطہ نمایند زداہل بھاء و متمسکین بہ عروہ و ثقی
کہ بہ حقایق الہیہ آشنا و براہمیت این امور کہ پیوستہ ملازم
بایست و توسعہ حکمہ اللہ بودہ واقف و مستخضرند و نتایج و آثار
جسیمہ اش را براعتلای شریعت رحمانی بدیدہ بصیرت احساس
کردہ اند این مسئلہ محقق و مسلم است کہ همان قدرت و سطوتی
کہ امر اللہ را طی نخستین صدسال تحول و تطور خویش حفظ نمودہ
و آنرا در مسیر ترقی و تعالی سوق دادہ است این در شمیہن را
پیوستہ از تعرضات اہل عدوان محروس و در کنف صون و حمایت
خویش مصون و محفوظ نگاہ خواہد داشت و موجبات نشو و ارتقاء
آنرا فراہم و در قبال ہر رادع و مانعی حراست و صیانت خواہد

نمود. آفاق جدید در مقابل انظار اهل عالم پدیدار و فتوحات
و انتصارات جلیله خطیره نصیب پیروان اسم اعظم خواهد گردید
تا آنکه رسالت آسمانی حضرت بهاء الله به مرور زمان در سراسر
عالم امکان کاملاً اجراء و اکمال یابد. " ۷۲ (ترجمه) انتهی

۷۲ - صفحه ۴۱۲ گادپا سزبای (کتاب قرن بدیع).